

# امش

فَلَا تُجْعَلُونَ كَأَمْثَلِ النَّاسِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ يَكْفُرُوا كَيْفًا يُكْفِرُونَ

## کارگران و نظامیان

تا کی و چه وقت در بلاتکلیفی بمانند؟

### در عصر انقلاب، به اقدامات و تصمیمات انقلابی نیاز است

ما بارها گفته ایم که در شرایط بعد از انقلاب نمی توان همانند دوران گذشته حکومت کرد و کشور را اداره نمود. مردم پس از آنهمه فداکاری و قربانی دادن و مقاومت و سرسختی اکنون از انقلاب اسلامی انتظار دارند تا شرایط گذشته را در گروگن کند - کسی انتظار معجزه ندارد و نمی خواهد دوباره به بهشت برین وارد شود. اما مردم انتظار دارند گامهای اول در راه تشکیل نظام قسط اسلامی بر داشته شود و دولت و شورای انقلاب که از حمایت

سیاست کج دار و صریز و مبهم دولت در بساطه صنایع و ارتش، با تصویب نامه اخیر داوگاههای رسیدگی به جرائم ضد انقلاب، بر تکرانی موجود در مورد سرنوشت کارگران و نظامیان افزوده است. در حالیکه کارگران ما هم چنان درگیر شرایط دوران طاغوت و اسیر روابط استثمارگری و ظالمانه سرمایه داران و کارفرمایان هستند و در حالیکه خطر بیگاری هنوز سرگرم نشده است، در حالیکه در راه تشکیل شوراهای کارگری بندت اخلاص و مسامحه تراشی می شود، تصویب چنین نامه های انضباطی معلوم نیست به نفع کدام طرف: کارگران یا سرمایه داران، انقلاب یا ضد انقلاب، تمام می شود. از همان روزهای نخستین بعد از پیروزی - از

### مناسبات استثنای، استعماری و استبدادی گذشته هنوز بر دست و پای کارگران و ارتشیان سنگینی میکند.

پیروی مردم و رهبر انقلاب برخوردار بوده اند قاطعانه عمل کنند - سیاست کنونی، موجب قطع امید کارگران از دولت می شود. به کارگران اعتماد کنید - اجازه دهید دوشادوش برادران دانشجوی خود بقیه در صفحه ۲

### مباحث ایدئولوژیک (۲) انسان و شیطان

دکتر حبیباله بیمان

استمرار در تسبیح از شیطان شخصی را تسدیجاً به بندگی و اسارت وی درمی آورد بطوریکه چاره ای جز پیروی بی چون و چرا از فرمانهای وی ندارد - یکسره دوست و قرین شیطان می شود و با او همراز و همدل همراه، بجای تسبیح از حق، باطل را راهنما و اسام می گردند - این گروه در حقیقت تصور می کنند راهی را که انتخاب کرده اند بر حق است - و از حقیقت امر غافلند «رَبِّیْ هَدَىٰ وَ قَرِیْبًا هَدَىٰ وَ قَرِیْبًا حَقَّ عَلَیْهِمُ الصَّلَاةُ اَنْهُمْ اَتَحْذَرُوا النَّبَاتِیْنَ اَوْلِیَاءَ مِیْنِ دُوْنِ اللّٰهِ وَ یَحْسَبُوْنَ اَنْهُمْ مُّتَدَوِّنٌ اَعْرَافٍ» ۳۰ «گروهی را هدایت کرد و گروهی به گمراهی افکندند - آنها شیطان را بسجای خدا بدوستی گرفتند و تصور کردند که هدایت یافته اند» دو جبهه بیشتر نیست جبهه شیطان و دوستان او جبهه خدا و دوستان خدا - در هر عمل و اندیشه و موضع گیری اجتماعی هر کس ناچار در یکی از این دو جبهه قرار می گیرد - راه میانه ای وجود ندارد چون هر عملی دو وجه بیشتر ندارد یا در مسیر حق است یا نیست اگر بود خدایی است و اگر نبود شیطانی - مؤمنان راستین در جبهه دوستان خدا و کافران در جبهه دوستان شیطان اند» «اِنَّا جَعَلْنَا الشَّیْطٰنِیْنَ اَوْلِیَاءَ لِلَّذِیْنَ لَا یُوْمِنُوْنَ» اعراف ۲۷ «شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نیآوردند»

بقیه در صفحه ۲

### «اطلاعیه»

جنبش مسلمانان مبارز به پیروی از رهنمودهای رهبر انقلاب امام خمینی دایر بر اهمیت «بحث و اقتناع» درباره قانون اساسی برنامه بحث آزاد پیرامون طرح قانون اساسی را در روزهای پنجشنبه تا ساعت ۶ الی ۸ بعد از ظهر اعلام میدارد. از همه خواهان و برادران متعهد به انقلاب مکتبی، برای شرکت در این جلسات دعوت می شود تا با بحث و روشن شدن مسائل به تداوم انقلاب اسلامی بساری بختیم. محل جلسات = خیابان بهار شمالی، خیابان نامجو، دفتر هفته نامه امت

جنبش مسلمانان مبارز  
۵۸/۴/۲

## «لایحه قانونی... ضد انقلاب»

است؟! اگر دائمی است، پس چرا «فوق العاده» و بنا اینکه اعلام می نماید، این دادگاهها از درون دادگستری و اعضا آن با انتخاب وزیر دادگستری از «میان قضات شاغل یا بازنشسته یا حقوقدان...» می باشد، باید پرسید. کدام دادگستری؟ آیا واقعاً کنار سازسازی و تصفیه دادگستری بعنوان «نهاده» سازمانده دیگری از رژیم وابسته گذشته، به انجام رسیده و دادگستری ما، یک دادگستری انقلابی است؟! که از بطن همین دادگستری، دادگاه فوق العاده دیگری زایش پیدا می کند و همسایرین مسائل رسیدگی کند و حکم صادر نماید؟! دادگستری که خود با کوهی از مشکلات و درگیریهای ناشی از نظام قضائی گذشته درگیر است، آیا می تواند چنین دادگاه فوق العاده ای را سازمان دهد، آنهم در جهت حل مشکلاتی اینچنین.

در ماده ۴ کار دیگر این دادگاههای فوق العاده را شرح میدهد که: «ماده ۴ - دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب بموارد زیر رسیدگی مینماید. الف - کلیه جرایم پیش بینی شده در مبحث اول و دوم باب دوم و فصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی و تا پایان ماده ۲۶۱ همان قانون.»

ماده ۲۶۱ چیست؟! این همان ماده ایست که در بقیه در صفحه ۳

در روزنامه «کیهان» روز یکشنبه ۳ تیر ماه ۵۸، متن لایحه ای با عنوان «لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب» درج یافته، که موج تعجب و نگرانی و اعتراض بسیاری از گروهها و نیروهای متعهد را برانگیخته. در شرایط بحرانی کنونی که انبوه مشکلات، یکی پس از دیگری ظاهر می شوند، با طرح لایحه ای اینچنین و آنهم بیکاره، نه تنها حرکتی در جهت حل مسائل و مشکلات پیشبرد انقلاب نیست، بلکه خود این لایحه با محتوایی که ارائه میدهد، مشکل دیگری بر مشکلات مردم و نیروهای انقلاب افزود. و بار دیگر این امر را به اثبات رسانید که مسئولین امور و دست اندکاران تصمیم گیری در دولت موقت، تنها بر آنچه که خود میخواهند و از آنچه که خود می بینند، حرکت می کنند و البته میخواهند که همه، هم آنگنان پسندند و بخواهند!

آغاز لایحه ماده ۱ می گوید «به منظور استقرار حاکمیت ملی و نگاهداری از دست آوردهای انقلاب اسلامی ایران در مرکز هر استان دادگاهی بنام دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب تشکیل می شود.»

اولین سؤال مطرح است که این دادگاهها تا چه زمانی باید ادامه داشته باشند؟ آیا برای همیشه و دائمی

### گزارشی از

## کارخانه بنز خاور

ما می خواهیم که با تولید بیشتر و بهتر به مردم خودمان خدمت کنیم نه به سرمایه دار.

کارگران و مهندسیان ایرانی اداره می شود، کارشناسان آلمانی بهنگام کار در کارخانه از مزایای زیادی بهره مند بودند. آنها از اتوموبیل و خانه های مبله بطور مجانی و با حداقل ۴۵ هزار تومان حقوق ماهانه بهره مند بودند.

سود کارخانه و ارزش کار کارگران ایرانی در زمان طاغوت همواره با بصورت ارز از کشور خارج میشد و یا در جهت ارضاء امسیال بست و حیوانی سرمایه داری کثیف وابسته به بیگانه قرار میگرفت. از آنجائیکه استثمار در مساهبت سرمایه داری نهفته است امپریالیستها همیشه منافع و سایلگاههای خود را در کشورهای تحت سلطه از طریق همین سرمایه داران وابسته بوجود می آوردند. یکی از عمده ترین راههای بازگشت ضد انقلاب و ارتجاع در بقائه سرمایه داران وابسته نهفته است. بدون خلق پسند از سرمایه داران وابسته پیروزی انقلاب تضمین نمیشود. و امپریالیسم بهمز آن در نمی آید.

بقیه در صفحه ۶

کارخانه اتوموبیل سازی خاور (یافت آباد) در حال حاضر کارخانه در حدود ۲۵۰۰ کارگر دارد که بر اساس قوانین وزارت کار سابق به استخدام کارخانه درآمده اند تولید کارخانه مونتاژ کامیون با ظرفیتهای مختلف است بگفته یکی از اعضای شورای کارگری «تولید این کارخانه صد در صد وابسته به بیگانه است». تمام قطعات اولیه ماشین از قبیل موتور، شاسی، و... از خارج وارد شده و در این جا مونتاژ میشود. فقط قسمت اتاق کامیونها در خود کارخانه ساخته میشود تا قبل از به نمر رسیدن مرحله اول انقلاب اسلامی خلق ما آلمانی ها به اصطلاح سرپرستی و اداره کارخانه را به عهده داشتند و قسمتهای اصلی کارخانه مانند تعمیرات، برنامهریزی، کنترل فنی، تغییر قطعات زیر نظر آلمانی ها بود. کارگران و مهندسیان کارخانه با اخراج متخصصین و کارشناسان خارجی نشان دادند بوجود آنها نیازی نیست، اکنون مدت چهار ماه است که کارخانه بدون وجود آلمانیها بدست پرس قدرت

## ستار مردی که مبارزه زندگیش بود

بناباست هفتم تیرماه که مصافد است با سالگرد قیام تبریز برهبری ستارخان علیه استبداد محمدعلی میرزا باغبان، شهیدی باقر بقال و... مردانی ساخت که تاریخ عصر خود را ساختند و سبیل های شجاعت، غیرت، ایمان و مردانگی و حریت و... شدند یادآور مردم ستم دیده ای که بخاطر برپاداشتن عدالت، و نابودی استبداد با نامردان عصر خویش دست و پنجه نرم کردند، زمانی با مظفرالدین شاه، گاهی با ناصرالدین شاه در افتادند و مبارزه خود را در دوران تنگین محمدعلی میرزا به اوج خود رساندند. محمدعلی میرزای خائن چه در زمانیکه در تبریز ولیعهد بود و چه زمانیکه سلطنت را قبضه کرده بود یا شدت هر چه تمارت سرکوبی آزادی و آزادی خواهان می برداخت. این شخص که در درس خیانت و سرپرستی به اجانب را در مکتب شایستال (مسلم روسی محمدعلی میرزا) نیک آموخته بود، در کینه و دشمنی با مردم ستم دیده ما، روی اسلاف ننگینش راهم سفید کرد. شروع سلطنت او با اوج گیری مبارزات مردمی همراه است. او که حتی وجود مجلسی را که براف

تاریخ خلق ما همیشه یادآور شجاعت، پایمردی، جانبازی و مقاومت های مردم آزاده ای است که برای کسب آزادی و رهایی از زیر سیوغ استبداد و استثمار یک دم از مبارزه بی ایمان و بی گیر خود دست نکشیده اند. یادآور انسانهایی است که هر از چندگاهی نهضت و قیامی علیه ستمدین و مستکبرین بیا داشته اند، جنبش و انقلاب مشروطیت نیز حرکتی بود در مرز تسخیر و پوسیدگی، بارقه امید و روزنه ای بود بسوی روشنگری و تحرک، که هر چند ناقص و ناتمام، اما توانست وجدان ملی، فرهنگی و مذهبی را در مردم بیدار نماید و بفرود ایرانی که در طی قرون و اعصار در زیر زنجیر استبداد و استثمار و استثمار خرد شده بود، جرأت مقاومت و ایستادگی بخشد، حراراتی بود که به تن نیمه مرده ایران و ایرانی نور حیات و روح زندگی دید، قلبها را گرم و دلها را امیدوار ساخت، حرارتی که از ستارخان، دلال اسب، باقرخان بنا، میرهاشم خان نساوا، حسین خان

بقیه در صفحه ۴

## سوم شعبان و روز پاسداران انقلاب

برای خلقهای مستضعف و ستم کشیده مسلمان که محکوم به تحمل سنگینی حکومت شوم سلاطین جبار و خلفای اسلام آسوی در چهارده قرن گذشته بوده اند، نام حسین بن علی شهید بزرگ و فرزند شهید و نوه پیامبر - الهام بخش مقاومت و بیگاری و نویدبخش رهایی و آزادی بوده است.

حسین مظهر و مثل اعلای انسان خداگونه ای بود که ظرفیت نامحدود انسان را به مقاومت و ایستادگی - ایثار و فداکاری و پرواز تا بسیران افق تعالی روح، آشکار کرد.

حسین نمونه عالی انسان انتخاب گر و پویا در جاده تکامل و رهاننده از هر وابستگی به گذشته - نشان در راه حق بود.

وی در حساسترین لحظات سرنوشت ساز و هنگامی که حیات و بقای یک ایمان، یک مکتب و یک امت و یک آرمان و عقیده به نهادت او وابسته بود و موتور تاریخ انسانیت برای ادامه حرکت بسوی برابری و عدل، آزادی و شرف به خون سرخ و پاک او محتاج بود و هنگامی که سرنوشت یک نهضت و پاسداری خون شهیدان و ادامه رسالت انبیا و رهایی مستضعفان جهان به وابسته به قیام و فداکاری و شهادت او بود - در ایفای نقش تاریخی و بزرگ خویش علیرغم همه مصلحت اندیشی ها، ملاحظه کارها حتی یک لحظه درنگ نکرد و مرگ سرخ را بر زندگی سیاه و ذلت بار برگزید. گشعل مبارزه و جهاد برای آزادی و عدل و مقاومت در برابر ظلم و زور و شهادت برای اعتلای ایمان و پاسداری عقیده، از خون حسین و پسران فداکار و با ایمان جاودانه روشن است. بشریت در همه جا و همه زمانها درس انسانی زیستن از او می گیرند راه مستضعفان بسوی آینده ازادان ظلم و اسلوت طاغوت ها، از خورشید قیام توحیدی او روشن مانده است.

انقلاب ایران همانند همه جنبش های رهایی بخش خلق ها در قرون گذشته، پیش از هر چیز مدیون نام حسین، نهضت و سنت مقاومت و شهادت حسین و متاثر از تجربه بزرگ و گرانقدر او برای پاسداری از ارزشهای عالی توحیدی و میراث انبیا الهی می باشد.

اکنون پاسداران انقلاب ایران ادامه دهندگان راستین راه حسین وظیفه بزرگ و بسر افتخار نگهبانی از دستاوردهای شهیدان را بر عهده گرفته اند.

و همانند پسران از جان گذشته سرور شهیدان، سوگند خورده اند که تا آخرین قطره خون و آخرین طپش قلب، از انقلاب و امام خویش حمایت کنند.

اکنون مشعل انقلاب توحیدی را که شهیدان تا آخرین لحظات حیات روشن نگاه داشتند، بدست فرزندان خلق مستضعف ما سپرده شده است. پرچم مقاومت و جهاد بر دوش آنهاست در صف مقدم جبهه نبرد با دشمن کینه توز، سینه های پسر ایمان آنها گلوله های خصم را پذیر است و نهال نورس انقلاب در حلقه فولادین و بهم بسته و فشرده رزمندگان جوان ما از آسیب ضد انقلاب مصون و محفوظ است

سلام خدا و رسول و درود خلق بر شما پاسداران باد.

ایمانتان بپرتوان، گامهایتان استوار، اراده تان نیرومند و دشمنان تان نابود باد!

گزارش از جلسه «بحث آزاد پیرامون طرح قانون اساسی»  
مر صفحه ۷

## با خلعید از سرمایه داری وابسته امپریالیسم را بزانو در آوریم

کارگران و نظامیان ....

در حل مسایل خرویش اقدام کنند. اجازه دهید شوراهای اسلامی کسارخانجات را تشکیل دهند و خود را آماده اداره آن سازند. پایه‌های حکومت مردم و نظام اسلامی بر همین شوراها قرار دارد. به آنها کمک کنید تا دست سرمایه‌داران وابسته را قطع کرده سرنوشت خویش را بدست گیرند. آنها ثابت کرده‌اند که ناپستی و صداقت لازم برای اینکار را دارند. در هر جا که شوراها، اداره کارخانه را بر عهده گرفته‌اند، موفقیت آنها چشمگیر بوده است.

به کارگران فرصت دهید تا به کمک برادران دانشجوی خود با انقلاب و نظام اسلامی آشنا شوند. آموزش سیاسی و اسلامی به‌بند و استعداد آنها در هر زمینه رشد کند. در انصورت هرگز احتیاجی به اقدامات سخت انضباطی نیست. احتیاجی به گارد و پلیس کارخانه نخواهد بود. ملی کردن صنایع و اداره کارخانه توسط شوراهای اسلامی کارگران به‌حتمل کشتن میهن ما فرصت می‌دهد تا نقش بسزای خود را در بازسازی اقتصاد کشور و دفاع از انقلاب در برابر دشمن، بخوبی ایفا کنند.

وضع مبهم ارتش - سیاست دولت

و شورای انقلاب در رابطه با ارتش با ابهام و تردید بیشتری همراه است.

پیش از نیم قرن است که ارتش و نظامیان ما زیر سیطره مناسبات استبدادی و استعماری بسر برده‌اند در سیاست و پست‌نظامی اخیر استعمار و امپریالیسم با مراقبت و وسواس بیشتری ارتش را زیر مراقبت و تعلیمات خویش قرار داد با اینحال دشمنان ما در برنامه‌های خود کاملاً موفق نبودند ارتشی که شاه و اربابان امریکایی آن همه امید بدان بسته بودند و بر آن تکیه داشتند - در لحظات سرنوشت‌ساز از حمایت و دفاع از دشمنان خلق

بقیه از صفحه ۱

انسان و شیطان

گروهی در تبعیت از شیطان آنقدر مداومت بخیر می‌دهند که کشور و خودشان یکسره زیر سلطه نیروهای ایلیسی درمی‌آیند تا آنجا که خود فرمان دهنده به بدی و عامل انحراف و وسوسه و گمراهی دیگران می‌گردند. شیاطینی که مردم به دوستی می‌گیرند از این گروهند. این افراد معمولاً سرمداران شرک و کفر و ظلم و بیاد و فساد و دشمنی با حق‌اند اگر دوستداران شیطان کارشان فرمان بردن در راه باطل است دسته اخیر کارشان فرمان دادن و طرح نقشه و توطئه برای گمراه ساختن مردم و جلوگیری از راه حق منحرف کردن اشخاص و جامعه از مسیر خداست.

«أَنَّ الشَّيْطَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنَّهُ لَئِيمٌ خَبِيرٌ» همانا که شیاطین به دوستان خود وحی و القام می‌کنند تا با شما جدال کنند و اگر آنها را تبعیت کنید از شرک‌ان خواهید بود.

بر همین اساس در هر جامعه از همکاری عوامل شیطانی و نیروهای تابع و پیرو آنها حزبی بوجود می‌آید که قرآن حزب شیطان می‌نامد «اولئك حزب الشيطان» شیطان در حقیقت رهبر و امام کسانی است که در این حزب گرد می‌آیند. شیطان اسوه و سرمشق و الگوی عمل و شخصیت اعضاء حزب شیطان است و این حزب علاوه بر شیطان که امام و مظهر تمامی خصلتهای و صفات ضد تکاملی است و وجودی یک بعدی و یکسره شیطانی دارد - دارای رؤسا و فرماندهانی است از انسانهای شیطان زده و دارای اعضاء و پیروانی است از کسانی که ضعیف‌اند و بیمار و صرفاً کارشان تبعیت است حزب شیطان درست همانند یک حزب سیاسی ضد سرمدی عمل می‌کند از همه امکانات و روشها برای پیشبرد هدف خود استفاده می‌کند هدف حزب شیطان رواج اخلاقیات ضد توحیدی در جامعه و حاکم ساختن مناسبات ضد توحیدی برجامه و منحرف ساختن افراد از حرکت بسوی خدا (خداگونه شدن) و باز داشتن جامعه از حرکت بسوی تشکیل است واحد و سیستم توحیدی است حزب شیطان تعلیمات و تبلیغات و سیستم اطلاعاتی و جاسوسی خاص خود دارد و برای فریب مردم و جلب آنها بسوی خود سخنی و عملی هر دو عمل می‌کند و در هر لباس درمی‌آید و هر پوششی با توجه فریبنده‌ای برمی‌گزیند بطوری که مردم ماهیت او را در ابتدا تشخیص نمی‌دهند و در دام او گرفتار می‌شوند و با پی آمدن لا یتقون الشیطان کما اخرج آیتونکم من الجنة یزیغ عنها ریاسها لیریسها سوا هی اینه یریکم هو و قبیله

سومقاله

را محو و نابود سازند؟

کوتاهی دوران انقلاب و سرعت بسیروزی چنانکه می‌دانیم فرصت نداد تساروحیه و اخلاق اسلامی و فرهنگ انقلاب در همه قشرهای جامعه و از جمله نظامیان رسوخ پیدا کند - بدلیل حصار آهین از تعلیمات آخرین قشرهایی بودند که در فرهنگ نوین اسلامی تولدی تازه می‌یافتند. اما هیچکس نمی‌تواند در استعداد سربازان و افسران برای کسب خصلتهای انقلابی اسلامی تردید کند. بر طبق یک قانون اجتماعی هر اندازه فشار وارده بر یک قشر اجتماعی بیشتر باشد، آمادگی و استعداد بیشتری برای حرکت سریع و دگرگون شدن کسب می‌کنند. برادران نظامی ما باید در شرایط آزاد با فرهنگ

در راه تشکیل شوراهای کارگری بشدت اخلال و مانع تراشی میشود - مردم پس از آن همه فداکاری و قربانی دادن و مقاومت و سرسختی، اکنون از انقلاب اسلامی انتظار دارند.

بکارگران اجازه دهید دوشادوش برادران دانشجوی خود در حل مسایل خویش اقدام کنند.

برادران نظامی ما باید در شرایط آزاد با فرهنگ و آرمانهای انقلاب آشنا شوند.

ضرورت یک برنامه انقلابی برای بازسازی ارتش

دولت چه برنامه‌ای برای بازسازی ارتش بر بنیادهای نوین انقلاب اسلامی دارد - چگونه می‌خواهد روحیه اطاعت کور کورانه از مافوق را به انضباط مبنی بر ایمان و آگاهی تبدیل کند چگونه می‌خواهد اعتماد بنفس را در سربازان و افسران باز گرداند و مناسبات پوسیده استبدادی و فساد اداری تغییرات را احساس کنند

راه و رسم شیطانی

عدم تبعیت از شیطان در عین حال بمعنای نفی راه و رسم و شیوه عمل شیطان است و چنانکه دیدیم شیطان در هر زمینه از ششون زندگی مصلحتی - فردی یا اجتماعی - فرهنگی سیاسی، اقتصادی، خانوادگی و ... راه و رسم خاص خود را دارد چنانکه یک راه و رسم خدایی هم وجود دارد - به عبارت دیگر در برابر هر واقعه‌ای و هر امر و موضوعی دو راه حل گشوده است و دو نوع رفتار، اندیشه و احساس و گرایش وجود دارد شیطانی و خدایی - از این رو شیطان دارای راهها و روشهاست و انسان در هر زمینه باید از راهی که او پیشنهاد می‌کند و می‌کندد پرهیز کند - «یا ایها الذین آمنوا لا تتبعوا حطوات الشیطان» و بر شیطان حطوات الشیطان قیامه یا مریا لبعثنا و المکر» نور ۲۱ «ای مومنان گامهای شیطان را دنبال نکنید - هر کس راه او را دنبال کند همانا وی امر کند به فسق و فحشاء و عمل زشت - در هر زمینه‌ای از عمل فسردی و اجتماعی یک راه و رسم شیطانی هم وجود دارد «کلوا مما رزقکم الله ولا تتبعوا حطوات الشیطان» انعام ۱۴۲ «از آنچه خدا روزی شما کرده است بخورید اما گامهای شیطان را دنبال نکنید» زیرا پیروی از شیطان بمعنای انحراف از راه خدا و نتیجه‌اش جز خسار و نابودی انسان نیست «و من یخذ الشیطان ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً» نساء (هرکس شیطان را بجای خدا دوستی بگیرد زین استکاری متحمل می‌شود)

تضاد و جنگ با شیطان عامل تکامل و رستکاری انسان است

چگونه می‌توان از وسوسه‌های شیطان پرهیز کرد و آوده به‌فساد و گناه و ظلم و تجاوز نگردید؟ چگونه می‌توان خصلتهای عالی انسانی را در وجود خویش پرورش داد و در جهت خدا و بسوی او گام برداشت؟ به عبارت دیگر انسان چگونه تکامل می‌یابد و بسر ضغفها و نقائص خود غلبه می‌کند. بعضی فکر می‌کنند با دوری از بدیها یعنی پرهیز از شیطان و عقب‌نشینی از برابر آن می‌توان به رستکاری رسید. گریز از مقابل بدیها، ممکن است مانع از آلودگی فرد به گناه و خطا شود، اما هرگز استعدادی را در وی پرورش نمی‌دهد یا صفت مثبتی به او نمی‌بخشد. بر طبق قانون ابتلاء که تفصیل آن در جای دیگر باید بیاید، ظهور و رشد استعدادهای گوناگون شخص فقط در جریان عمل و ضمن برخورد با موقعیتها - از هر نوع - رخ می‌دهد.

امت

ضد اسلامی و استبدادی گذشته - موجب نارضایتی و دلسردی سربازان، درجه‌داران و افسران می‌گردد - فرصت نه‌دیهد سرنوشت ارتش را در دست گیرند و از تحول انقلابی آن پسر بسپاه ایستدولوژی اسلامی عملاً جلوگیری کنند

می‌شویم - در برابر رشوه‌ای که ثروتی نه‌گفت نصیب ما می‌کند قرار می‌گیریم از یکطرف تعابلی مارا به قبول آن وسوسه می‌کند و از سوی دیگر ندایی مارا به‌پرد کردن آن می‌خواند. آزمایش سخت پیش آمده و ما ناچار از انتخاب بین یکی از دو شیق هستیم رد یا قبول - قدرت روحی و اخلاقی، درجه سلط بر نفس و نیروی اراده، شرافت اخلاقی و میزان دلستگی و عشق به‌هدفهای متعالی و درجه ایمان به‌خدا، و بطور خلاصه شخصیت معنوی و اخلاقی ما قبل و بعد از این آزمایش دستخوش تغییر می‌گردد - اگر رشوه را رد کردیم همه این خصلتها و استعدادها بکدره رشد یافته تقویت شده‌اند و ما یکقدم فراتر گذاشته‌ایم و اگر رشوه را بپذیریم، شخصیت معنوی ما از آنجا که بود یکقدم به عقب برمی‌دارد و تنزل می‌کند. هر موقعیت دیگری را صرف نظر از تضادهای ظاهری آنها - خیر و شر خوب و بد، ضرر و منفعت - بیماری و سلامت - ثروت و فقر - عزت و ذلت در نظر بگیریم - از چنان تأثیری در ارتقاء بنا انحطاط شخصیت معنوی افراد برخورداراند.

مقابله با مشکلات و نبرد عامل تکامل است

اما نکته اساسی در این‌جاست که تحول تکاملی در شخصیت فرد وقتی رخ می‌دهد که بمقابله موقعیتها و بتضادها و از حوادث استقبال کند - با سختی‌ها و دشواریها، با موانع و دشمنان روبرو شود و الا هیچ چیز در وی رشد پیدا نمی‌کند که به‌عکس مکسبات نیگو رو به تحلیل و ضعف می‌گذارد. این حقیقت مبنی بر یک قاعده یا قانون کلی است که برطبق آن استعدادهای موجود ضمن کشمکش و جدال با موانع و دشواریها و در شرایط سخت رشد می‌یابند. این قانون بطور کلی در زندگی فرد و جامعه هر دو اعتبار دارد. از این رو تحقق استعدادهای انسانی با به‌دیگر تعبیر «خودانسانی» در ضمن تلاش و رنج رخ می‌دهد: «لقد خلقنا الانسان فی کیده الیله - ۴ - همانا که انسان را در رنج و سختی آفریدیم.

و اما جدال و ستیز ناشی از برخورد و نیروی متضاد است - تا تضادی بین نیروها نباشد کشمکش و مبارزه‌ای آغاز نمی‌شود و تا مبارزه و تلاش و رنج نباشد تحول تکاملی واقع نمی‌شود. رشد هر یک از استعدادهای آدمی منوط به‌مقابله با مقاومتی است که در برابر آن استعداد وجود دارد - رشد عضلات دستها مربوط به مقاومت وزنه‌های سنگین در برابر کسار و فعالیت دستهاست - اگر وزن اشیاء به اندازه‌ای بود که کمترین فشاری بر عضلات وارد نمی‌ساختند با اگر تنها اشیائی از حمل می‌کردیم که چون پر کاه سبک بودند یا اگر از تماس پاها بر زمین اصطکاک و مقاومت پدید نمی‌آمد و حرکت ما چون چرخش در سطح کاملاً صیقلی با مقاومت مساوی صفر انجام می‌گرفت، در اینصورت احتیاجی نبود عضلات پاها را بکار اندازیم بجز می‌لغزیدیم - و یا اگر مجهولی در برابر انسان رخ نمی‌گشود و حقایق در پرده‌ها پنهان نمی‌شدند - بشر ناچار از فکر کردن و صرف انرژی و تفکلی اندیشه نمی‌شد و استعداد کشف و شناخت، درک و استنباط و استنتاج در وی بروز نمی‌نمود - آغاز ظلم و تجاوز سبب ظهور اندیشه و احساس عدالتخواهی گردید - می‌گویم ظهور نه ایجاد - استعداد، تمایل به تعاون و همدردی، نوسعدستی، عدالتخواهی، حقیقت‌جویی، پرستش و بی‌تفاوتی طلبی در انسان هست، لکن ظهور و رشد هر یک از این قوا مستلزم وجود موانع و عوامل متضاد با آنهاست - از همین‌جا نقش شیطان و مظاهر شیطانی در ظهور و رشد استعدادهای انسانی معلوم می‌گردد.

اما دیدیم که این قوا فقط از طریق مقابله و ستیز و جنگ با عوامل متضاد و مقاومتها موجود در راه، فعلیت می‌یابند و شکوفایی می‌گردند.

با دشمن باید جنگید

دشمن انسان و انسانیت، شیطان است و با این دشمن جز دشمنی نتوان کرد «ان الشیطان لکم عدو قاتخونه عدواً» فاطر - ۶. شیطان پسرای شما دشمن است او را دشمن بگیرید» حتی بگا لحظه از کسار منحرف ساختن و وسوسه انسان و اخلال در حرکت تکاملی جامعه انسانی و کشاندن آن بسوی ظلم و فساد و انحطاط، غافل نیست - دائماً در کار فریب با خلق

توسطه امپریالیسم و صهیونیسم را در جنوب لبنان محکوم کنیم

# مصاحبه با طاهر احمدزاده ۲

شنبه نوزدهم خرداد ماه  
«دولت اگر چه موقت هم هست ولی میبایست تا تدوین قانون اساسی و مجلس ملی انقلابی عمل کند، زیرا که انقلاب کردیم و مردم در انتظار نتایج انقلابند»  
«اینکه نه شورای انقلاب و نه دولت دست به تغییر بنیادها و روابط حاکم زدند و در انتظار تدوین قانون اساسی شدند قابل پیش بینی نبود»

س - در رابطه با اینکه از زمانیکه استاندار خراسان شدید چه اقداماتی انجام داده اید و چه اقداماتی را برنامه ریزی کرده اید، و یا پیش بینی انجامش را دارید. (از نظر رفاهی و فرهنگی)؟  
ج - شما توجه دارید که بعد از سقوط رژیم یک خلاء قدرت بوجود آمد. دولت موقت انقلاب اسلامی سرکار آمد. طبعاً دولت موقت منطقی این بود که باید انتخاباتی انجام دهد و تدوین قانون اساسی و مجلس مؤسسان، از همان ابتدا پیدا بود که دولت برنامه ای در رابطه با انقلاب یعنی تغییر بنیادها و روابط حاکم بر جامعه نخواهد داشت. تا اینکه مجلس مؤسسان تشکیل شود و قانون اساسی تکلیف دولت را تعیین کند از همان ابتدا که مسئولیت استانداری به عهده من گذارده شد اعتقاد این بوده که میبایستی دولت اگر چه موقت هم هست، تا تدوین قانون اساسی و مجلس ملی انقلابی عمل کند، زیرا که، انقلاب کردیم و مردم در انتظار نتایج انقلابند. چرا که انقلاب یعنی تغییر بنیادها و روابط حاکم بر جامعه و اهمیت قضیه در این بود که اگر شورای انقلاب بطور قاطع و مؤثری با یک دید همه جانبه وارد عمل میشد دولت را هم در جهت انجام اقدامات انقلابی کمک میکرد. اینکه نه شورای انقلاب و نه خود دولت بعد از آن دست به تغییر بنیادها و روابط حاکم زدند و در انتظار تدوین قانون اساسی شدند، قابل پیش بینی نبود.

در اوایل اسفند قبل از اینکه مسئولیت استانداری به بنده محول گردد نامه ای به اتفاق دکتر پیمان خدمت امام توسط آیت اله طالقانی تقدیم کردیم و در آن نامه تحلیلی از انقلاب شده بود که چرا ما توانستیم با دست خالی در مقابل آن نظام طاغوتی ملنی را متحد کنیم و آتر و واژگون نسازیم. چون اگر تحلیل صحیحی از انقلاب نداشته باشیم نمیتوانیم از انقلاب پاسداری کنیم. باید یافت که در آن مرحله پیروزمندان تحت تاثیر چه عواملی بود، و در مرحله بعد انقلاب (مرحله فعلی) چه باید کرد؟ و در نامه مطرح شده بود که اگر چه دولت موقت است ولی میبایست که به اندازه شورای انقلابی در راه سازندگی امور را اداره کند، تا روحیه انقلابی در جامعه محفوظ بماند و انقلاب تداوم پیدا کند تا دستاوردهای انقلاب برای مستضعفین ملموس گردد.

و در واقع انقلاب همانند رود خروشان در حرکت باشد تا حالت ایستای پیدا نکند چرا که ایستایی جامعه فرصت به ضد انقلاب میدهد، تا خود را عرضه کند و گاهی در پاره ای نقاط به نمر برسد. زیرا که در رود متحرک هر چه فضولات بریزند در خودش هضم می کند و ببرد، اما وقتی که حالت ایستای پیدا کند و آب راکد شود، با مختصر آلودگی همچون مرداب میگردد. هیچ وقتی نباید انتظار داشته باشیم، از امپریالیسم، صهیونیسم، و ارتجاع که بیکار بنشینند. اینها مثل میکروبها هستند که همیشه خوراکشان را از یک جایی میخوانند جستجو کنند و این بدن ماست که باید نیرومند باشد تا ماجالی به این میکروبها ندهد. نباید انتظار داشته باشیم که میکروب نسبت به حیات خودش بیعلاقه باشد. ضد انقلاب نیز به منافع خودش علاقمند است و به آسانی دست نمیکند. زمانیکه موقعیت سیاسی از دست بدهد، موقعیت اقتصادی را سعی می کند حفظ کند. سپس من به خراسان آمدم. چون دولت، دولتی موقت است بنابراین برنامه دراز مدت نداشت و برنامه بنیادی برای تغییر روابط و نظام حاکم نداشت. بنده هم به سهم خود در اینجا نمیتوانستم که برنامه دراز مدتی داشته باشم. کار ما رفع مشکلات بوده است. و آنچه انبوه مشکلات همچون بیکاری، اعتصابها، بی پولی کارخانجات قند که اکثر آن جزو صنایع مسترکز در خراسان هستند این کارخانجات حتی پولی برای پرداخت اجرت کارگران نیز نداشتند و یا برای پرداخت پول چقدر رفتند. تا به روستائیان بپردازند. به ضمیمه اینکه مردم بعد از انقلاب یک مرتبه گویی که به بیاد همه محرومیت های گذشته افتاده بودند و حالا جبرانش را میخواهند.

در مرحله اول اینطور تصور میکردید که تمام این خواستها طبیعی و منطقی است. اما ضد انقلاب هم به این خواستها دامن میزد و سیل مراجعات از طبقات مختلف مردم شروع شد. و بعد معلوم شد که عواملی مردم را برای هر کاری بسوی ما سوق میدادند بطوریکه مؤثری می آمد و از مستأجرش که خانه اش را خالی نمیکرد شکایت داشت. این شکایات میبایست به دادگستری ها رجوع داده میشد اما با اینجا میآمدند. در اجام کارها و برطرفی مشکلات و رفع نیازهای اساسی ابتدا با نخست وزیر تماس گرفتیم که مطرح شد. برای برطرف کردن یکسری از مشکلات مهم، در این مرحله احتیاج به ۱۰۰ میلیون بودجه میباشد. که مصرف اجرا کارگران و پرداخت به کشاورزان گردد. بعد به ایشان گفتم که برای تسریع کار از صندوق آستان قدس این مبلغ قرض گرفته میشود تا پول از طرف دولت برسد. که با این کار مسواقت گردید. در اینجا با مسئول آستان قدس رضوی تماس گرفتیم و جریان بایشان گفته شد. که بلافاصله از صندوق برای بنده پول فرستادند که از ایشان بسیار مستحکم و آن هم بیشتر از سه ماه میباشد. و هنوز دولت با اینکه نخست وزیر هم دستور داده و در شورای عالی هم تصویب شد. در پیچ و خم اداری و ضوابط غلط و نادرست، دست و پا گیر میباشد که هنوز میبایستی طبق آن مسایل را حل کرد. مدیر کل بانک ملی خراسان، مدیر کل بانک ملی در مرکز، و وزیر دارایی از این کاری که انجام گرفته دچار حیرت شدند که چگونه بنده ۱۰۰ میلیون تومن با یک تلفن میگیرم. و بعد اینجور با اطمینان این پول را برای انجام امور پرداخت می کنم. و می گفتند که تو کار خطرناکی میکنی. جواب دادم که، پس انقلاب یعنی چه؟

انقلاب همین است که آدم با سرعت و قاطعیت عمل بکند. برای اینکه وضع اشتغالی را سروسامان دهیم بانجام این کارها پرداخته شد. و در همین رابطه از همه مردم مشهد کمک گرفتیم. بدینصورت که هر کس میخواهد کاری را بعداً انجام دهد همین امروز شروع کند. اگر بفرض نقاشی خانه را میخواهد ۶ ماه دیگر انجام دهد و یا تغییراتی در خانه دارد حالا انجام دهد. از تمام صنایع هم خواستیم که به استخدام کارگران حتی اگر هم لازم ندارند بپردازند تا از این طریق به کارگران کمک شده باشد. شهرداری هم با مشکلات زیادی مواجه بود بخصوص با بی پولی و بودجه های سنگینی که در گذشته به آن تحمیل کرده بودند. بیش از ۲۰۰ میلیون تومان قرض بخاطر ورود شاه در سال گذشته بوسیله و لیان بر بودجه شهرداری اعمال شده بود در حالیکه برای لباس رفتگران بعد دو سال پرداختی انجام نشده بود میال گفتی برای زدن طاق نصرتها خرج میشد و کوش کردیم که مشکلات شهرداری را هم تا حدودی حل نسازیم. مردم فکر کرده بودند چون انقلاب شده دیگر نباید عوارض بدهند. که البته بعد متوجه شدند و عوارض را برای ایجاد و نگهداری خدمات شهری پرداختند. از همان ابتدا مسئله راههای روستائی مطرح بود و با امکاناتی که، اینجا در وزارت راه داشتیم و امکاناتی که از مؤسسات خصوصی می توانستیم بگیریم و به کمک کمیتهائی که در روستاها وجود دارند برنامه راه سازی در روستاها آغاز شد، که هنوز هم با هم راه

اصلاحات بیشتری ادامه دارد. و دیروز که وزیر راه به مشهد آمده بود می گفتند که مسئله راه سازی در روستاها در خراسان از تمام استانهای دیگر گسترش بیشتری دارد. و سعی داریم هر چه زودتر مسئله راه سازی روستائی که یکی از امور زیربنائی در طرح پیشرفت کشاورزی است انجام دهیم. به انتظار این بودیم که برنامه های عمرانی سال ۵۸ اعلام شود. میدانید که طرح های در سال ۵۷ بعلت وجود اعتصابات چه در روستاها و چه در شهرها متوقف شدند.

اعتباراتی هم برای اجرای بعضی از این طرح های عقب افتاده ایجاد گردید. اما تحرک لازم را بعلت همان ضوابط دست و پا گیر اداری گذشته نداشت کنفرانس استانداران تشکیل شد و در این طرح های انقلابی که روابط و مناسبات گذشته را دگرگون بکنند به علت اینکه دولت، دولت موقت است. و چنین برنامه ای ندارد، طبعاً استانداران هم ندارند. اما در عین حال در همین استان به جز به اتمام رساندن طرح های ناتمام و ایجاد طرح های جدید برای سال ۵۸ که اعتباراتی هم برای آنها خواسته ایم بکارهای صرفه جویی هم دست زده ایم. برای کمک به بیت المال کارهایی تا بحال صورت گرفته از قبیل ادغام ادارات، تخلیه ساختمانیهای استیجاری دولتی، گذران خانه های طاقوتیان فراری در اختیار ادارات که حدود یک میلیون تومان در ماه بخاطر کر ای خانه قبلاً پرداخت نگردید. از همان اوایل صورت اتوموبیل های دولتی را برداشتیم. و رفت و آمدها را با اتوموبیل های دولتی زیر کنترل قرار دادیم. تلفن های زاید را در همه ادارات بسته ایم که بطور عجیبی سوء استفاده میشد تمام وسایل تجملی و زاید در ادارات را جمع کردیم که زیر نظر هیئت امناء همه را بفروش خواهیم رساند.

کاخی برای ولیان ساخته شده بود. که به دانشگاه واگذار کردیم و یک مرکز درمان روانی در آن تأسیس کردیم و هم اکنون هم دایر شده است. دانشکده کشاورزی مشهد که چند سال میباید تأسیس شده فاقد یک مرکز آموزشی دام با کشاورزی برای دانشجویان بود و جز تئوری هیچ مطلب علمی نمی آموختند. باشگاه سلطنتی اسب را در مشهد که ۶۰ هکتار زمین با دو چاه عمیق و تأسیسات با ۲۰ اسب که از این ۲۰ عدد اسب ۱۵ تا پانسیون بودند در اختیار دانشکده کشاورزی قرار دادیم. تا بتوانند در رشته دامپروری و کشاورزی عملاً چیزی بیاموزند و اشرافی هم که اسبهایشان در این محل پانسیون بوده و بدهکارهایشان را نداده بودند از شان گرفته شد. اینجا هر کجا نگاه کنید تبعیض، ناروایی، و غارت می بینید، ما قبلاً میدانستیم که نظام پهلوی، نظام غارت است. و نظام وابسته به امپریالیزم است، و ماهیت استبداد داشت و استعار. اما واقعاً تا وارد معرکه نشده بودم و از نزدیک ندیده بودیم نمیتوانستیم ابعاد وسیع غارت و چپاول سرمایه داری را ببینیم. مثلاً یک نمونه کوچک و پیش ویا افتاده یک فانزای هست در پارک آزادی مشهد. بنده یک روزی رفتم آنجا و دیدم که بلیط ورودی ۱۵ ریال میباشد و برای استفاده از هر قسمت هم میبایست حدود ۵ تومان بپردازند. بطوریکه یک خانواده چهار نفره بلیطی حدود ۸۰ تا ۱۰۰ تومان باید بپردازند. دور آنرا هم با تور سیمی حصار کرده بودند و بجهای زحمت کشان و مستضعفین پشت این تور ایستاده بودند و با حسرت به وسایلی بازی نگاه میکردند. صحنه بسار زشت و کثیفی بود. آنچه در عصر انقلاب، صاحب آن مؤسسه احضار شد و بایشان گفته شد که بلیط اینجا باید یک تومان یا ۵ ریال باشد. ایشان گفتند که صرف تمیکنند. پیشنهاد شد که از طرف استانداری نظاری در آنجا باشند. و اگر مشخص شد که پائین آوردن قیمت بلیط برای شما صرف نداشته باشد به شما کمک مالی خواهیم کرد. ولی ایشان باز قبول نکردند. و مطرح کرد که حاضر است در ماه یکی دو روز را مخص مستضعفین بطور رایگان قرار دهد. جواب این فرد را دادم که اصلاً حاضر نیستیم چنین توهینی به مستضعفین بشود. گفت من قرارداد ۳۰ ساله دارم. گفتم که هر قراردادی که به ضرر مستضعفین باشد بی اعتبار است. و چون این فرد حاضر بقبول شرایط نشد، تاچار شدم این محل را در اختیار خودمان قرار دهم. ایشان عکس العمل نشان داد که خنثی گردید. و بعد که بدرآمدش رسیدگی کردیم دیدیم در عرض این مدت مردم شهر مشهد را غارت نموده و میلیونها تومان در ظرف مدت کوتاهی سود برده. البته این چیز پیش پا افتاده از این غارتگریهاست. البته این مطالب را نه به این عنوان که کاری کرده ام مطرح میکنم چرا که واقعاً شرم دارم از اینکه بگویم برای مردم کاری انجام داده ام. مگر اینکه اختیارات فوق العاده به استانداران بدهند و اختیارات جدید، تا بتوانند ما را از ضوابط غلط و دست و پا گیر همانطور که امام تأکید کرده آزاد سازد تا بتوانیم با خودیاری مردم و با نصف هزینه بتوانیم این طرح های عمرانی را از قبیل مدرسه، آب و برق در روستا انجام دهیم. از لحاظ برق، آب، یا مدرسه، اقداماتی انجام شده، اما آن چیزی که ما دلمان میخواهد در عصر انقلاب باشد و مردم انتظار دارند و آماده برای خودیاری هستند هنوز انجام نشده، پول هنوز فرستاده نشده و با سازمان برنامه و بودجه مرتباً آئین نامه میفرستد که اینجور بیاید خرج شود، ماده فلان اینطور میگوید و غیره. به مدیران کل در اینجا گفته شد که به مسئولیت من تمام اینها را زیر پا بگذارید. بروید امانی عمل کنید. و برای پیشبرد کار خودیاری روستائیان را جلب کنید. به دست خود آنها و به کمک خود آنها نقشه ها را پیاده کنید. به آقای نخست وزیر، وزیر دارائی، و وزیر برنامه و بودجه این مطلب را گفته ام، و دیروز هم وزیر راه مطرح کردم، و ایشان هم موافقت کردند که تنها راه همین است. بایشان گفتم وقتی به تهران رفتید این مسئله را بصورت یک تصویب نامه در هیئت دولت بگذارید که استانداران در رأس یک شورای مشورتی طرحها را به صلاحدید خودشان بصورت مناسبی که در هر استان مطرح است انجام دهند. تا حرکت انقلاب بصورت صحیح آن تسریع گردد و این تنها راه حل مشکلات است.

س - در کنفرانس استانداران چه نتایج مهم مردمی بدست آمد. و خود شما چه - توصیه ای برای کار استانداران دارید؟

ج - در کنفرانس استانداران بنده تأکید کردم که در عصر انقلاب سرعت و قاطعیت در اجرای برنامه ها یک ضرورت است بنابراین باید به استانداران اختیارات لازم داده شود. یک کمیسیون مشورتی در استانها تشکیل شود که از معتمدین و مجریان طرحها ترکیب گردد و با قاطعیت بهر نحوی که صلاح میدانند عمل کنند. البته این کمیسیون مشورتی تا زمانیکه شوراهای شهرستانی و استان تشکیل شود وجود خواهد داشت و این خواست همه استانداران است. حتی وزارت کشور هم تأکید بر این مسئله کرد. و وزیر برنامه و بودجه باین ضرورت اعتراف کرد. ولی در عمل چیزی ندیدیم.

مسئله دیگری که در این کنفرانس به آن تأکید شد، اولویت روستا به شهر بود عقیده بنده است که ۷۰ تا ۸۰٪ بودجه های عمرانی باید صرف روستاها گردد. که مهمترین دلایل آن عبارتند از اینکه جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهر کند. و از لحاظ کمکهای مالی، بیمه و تضمین قیمت محصولات کشاورزی آنچنان گردد که درآمدشان در سطحی گردد که اصلاً برایشان صرف نکند که به شهر بیاید. بخصوص که روستائیان ما هنوز تحت تأثیر فرهنگ مصرفی کثیف بورژوازی قرار نگرفته اند و آلوده به تجمل و فساد نشده اند. روستائیان، مردمی کم توقع و پر کار هستند. ما وقتی به روستاها مراجعه میکنیم می بینیم که حتی از خانه های گلی که همیشه در خطر زلزله و یا سیل هستند شکایت ندارند و فقط صحبت از حمام، برق و آب و مدرسه می کنند و وسایل کشاورزی. این مطلبی است که همه استانداران به آن تأکید دارند و در قطعنامه هم آمده. مطرح کردم که شهرها باید به نفع روستائیان ایشار کنند. سالهای، سال است که شهرها از خیلی از امکانات برخوردار بودند ولی روستائیان محروم بودند. برای دگرگونی روستاها میبایست مردم از شهرها به روستاها بروند، باید دانشگاهها و دبیرستانها را برای یکسال

# بقیه از صفحه اول لایحه قانونی...

دوران دیکتاتوری رضاخان (۲۲ خرداد ۱۳۱۰) به تصویب رسیده است و سفادان حافظ قدر قدرتی و استبداد سلطنتی بود. که به اصطلاح بنام «مشرطه سلطنتی» مطرح شد. بنده آن بدی بود بر دست و پایی هر آنکه فریادی برآورد، و بخواهد از آزادی فردی و اجتماعی و گروهی خویش دفاع کند. حال از کجا در دوران انقلاب، بار دیگر سرکه آمده (۲۶۹) در لایحه جدید پیدا شده؟! که این را هم شاید شاید از آگاهی گذاشت، بلکه از همان دید تک نظرانه و ناسی از دانش بیشتر انقلابی. این همان لایحه «۲۶۹» معروف است که سالها مبارزین در داخل و خارج کشور برای لغو آن تلاش و مبارزه کردند. و قطعنامه های متعدد محکومش ساختند. حالا دوباره زنده کردن آن و به میدان آوردنش؟! آنچه پس از واژگونی رژیم سلطنتی و نظام شاهی، از کجاست؟! و اما ماده ۸ «هرکس عده ای از نظامیان یا سایر

نظامیانی را که در خدمت تسروهای مسلح هستند و خدمات نظامی به آنان واگذار گردیده است، تحریک به عصیان یا عده اجرای وظایف نظامی کند. هر گاه مؤثر واقع شود به حبس جنائی درجه یک از ۳ تا ۱۵ سال و در صورتی که مؤثر واقع نشود به حبس جنائی درجه دو از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می شود...» باید پرسید مفهوم «تحریک به عصیان» چیست؟! زمانیکه در نظام ارتش کمترین کاری جهت سازسازی آن و ایجاد ارتش اسلامی انجام نگرفته، و هنوز نهادهای مؤثر ارتجاع گذشته همچنان در ارتش باقی است، و عملکردهایی که با همان منطق و اسلوب و با همان روش نظام گذشته در «اطاعت کورکورانه» دوباره با گرفته و اثر ارتش را در بعضی از یادگانها، و در ارتباط فرماندهان با نیروهای دیگر و در بافت کلی ارتش می بینیم. آیا «تحریک و عصیان» شامل مقاله یک نویسنده در روزنامه ای یا مجله ای هم می شود؟! و اقبیات درون یادگانها را برملا می کند و فریاد اعتراض سرزایی و درجه داری و افسر جزای را به گوش مردم می رساند؟! و اگر این است مفهوم «تحریک و عصیان» سزای چنین جرمی ۳ تا ۱۵ سال حبس جنائی درجه یک است؟! راضی که در کجای تاریخیم؟ خواهیم یا بیدار؟! ماده ۹ بیان طرح دیگری است برای

خویشمالی همه صاحبان صنایع و سرمایه داران مرتجع آنجا که می گوید: «ماده ۹ اعمال اشخاصی که به نحوی از انحاء در امور کارگاهها و کارخانجات کشور اختلال و کارگران را تحریک و تحریض به تعطیل کار و کارگاه و کارخانه نمایند ضربه زدن بمصالح عمومی و استقلال اقتصادی کشور از جرائم ضد انقلابی است و مرتکب بر حسب درجات جرم حسب تشخیص دادگاه به کیفر جنائی درجه دو از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می شود.» اگر شوراهای در کارگاهها و کارخانجات تشکیل شده بود و این شوراها بیانگر خواستهای کارگران بودند و در جهت تحقق آن حرکت می کردند، کنترل در کار می آمد و کارگاهها و کارخانجات را از گردن عناصه ضد انقلاب که در جهت نابودی و ورشکست نمودن اقتصاد ما حرکت می کنند، محفوظ میداشت. عناصری که حتی با ماسک حمایت از کارگران، آنان را تشویق به تعطیل کارگاه، و کارخانه می نمایند، اما چنانکه هنوز اصل شوراهای مردمی در کمتر کارخانه هائی تحقق یافته، و این روزها هم مسئولین وزارت کار برای خود طرح نویی با اسم از خود ساخته ای عنوان کرده اند، و «سندیکا» را بجای «شوراها مطرح میسازند و حتی از تشکیل شوراها جلوگیری می کنند و فرمان، باید «سندیکا» باشد را صادر می نمایند، آیا این ماده جوایگی مشکلات می تواند باشد؟ اگر چه در شرایط حساس برای جلوگیری از عوامل ضد انقلاب هم مفید واقع شود. نگرانی کارگران زحمتکش از تصویب چنین قانونی که میخواهد بار دیگر حصارهای بین آنها و توده مردم کشیده شود، آشکار است. مگر نه این بود که با برچیده شدن نظام پوسیده گذشته، هر قدری از درها و رنجهای اقشار دیگر باید مطلع و آگاه شود، تا در جهت کمک به یکدیگر و رفع مشکلات هم تلاش نماید؟

این لایحه درهای کارگاهها و کارخانجات را بروی هر کسی که میخواهد بداند در درون این اماکن چه میگردد، بسته است، و کارگران زحمتکش ما در حصار کارخانه محصور و محیوس می شوند، چنانکه دوباره رشحات بازگشت سرمایه داران و صاحبان گردن کلفت صنایع، که این روزها آنها هم کارگران را وادار به تعطیل کار می کنند، پیدا شده، و این ضد انقلابیون که در پی آند تا نظام نیمه مرق مانده سرمایه داری وابسته را دوباره جان بخشند، بهترین راه کمک به کارگران و حفظ آنها از ضد انقلابیون و مسترجمین، گسترش شوراها در کارگاهها و کارخانجات است و اینکه کارگران رابطه

# درد بر آیت اله طالقانی، مجاهد نستوه

«قیام»

خون میرود از رگت، بر ساقه‌های نازک گندم، تا در زمین خدائی رستانت... قیام کند...

«فریادها»

شبهای، شغلاان، در پس دیوارهای تاریکی زوزه می‌کنن... از لانه در کوجها میدوند...

«آب»

نقط نگاهت ای کشتگر، در میان کشتزار تشنه می‌خزد که دانه دانه گندم در هلاک آب جان میدهد...

«صبح»

حرکت بی‌تابانه خون در رگها - از ابری بر بار سخن میگوید بر من بیبار، هر شب که شب را حرکتی است به صبح



گندم! یکان بوته محم، غیر ناله خلق، بساطات، فریاد! دست خسته دهبان، بلذات، سوز! و خون دشتک زن روستا، بشیرات، احسب!

« گروه هنری دانشجویان مسلمان دانشگاه مشهد »

«چشم‌ها»

به هنگامیکه تندرهای ز چشمان تو بیرون ریخت و منتت... بر ستان سالها حرمان فرود آمد...

سبانه

در شبانگاهی که ما در پشت‌بام خانه‌مان تکبیر می‌گفتیم در شبانگاهی که با فریادمان این چهرة صدرنگ باطل فانی میکردیم...

قصه طولانی زحمتکش، بهره‌دهی اما تحنل یا سکوت محض را ناپود میکردیم دشمن آنجا در کمین ما و حتی سایه‌ها مان سخت میگردید و ابله‌وار گرد تلی از خاکستر رسوائی...

از حمایت از او و تکهش آزادخواهان و بسزاری از مجلس و مشروطه بود، ضربه بزرگی بر روحیه مردم در تهران و شهرستانهای بزرگ می‌زدند چرا که مردم پیش از همه جا به تیریز امیدوار بودند و وجود تفرقه و تشتت در بین روحانیون تیریز که از این اعلامیه مشخص بود...

بقیه از صفحه ۱ ستارمردی...

افراد سرسپرده و چاکرمنش بود برخلاف امیال و منافع خود می‌بند تصمیم می‌گیرد با برانداختن مجلس، اساس مشروطیت و آزادخواهی را در ایران برچیده و بساط استبداد و خودکامگی را از نو بر مردم مسلط گرداند.

شروع فاجعه

با عزیمت محمدعلی میرزا در باغشاه مخالفت‌هایش با مشروطه و مجلس صورت جدی بخود می‌گیرد و سرانجام و قزاقهای مزدور بخوابانها ریخته و به آزار و اذیت و خلع سلاح مردم مسلح در کوجه و خیابان می‌پردازند، با جابجا کردن و این‌ور آن‌ور بردن توپها دست بیک نمایش قدرت می‌زنند و با خودنمایی در اطراف مجلس و استقرار چند توپ در دروازه‌های شهر نیت پلید خود را آشکار می‌سازند...

مردم تهران که خطر را حس میکنند در مسجد سپهسالار اجتماع میکنند و رادمدانی چون سیدجمال، ملک‌المتکلمین و... به افتخاری و روشنگری مردم می‌پردازند و شاه را متهم به نقض قانون می‌کنند...

«حرف‌شنوی» ملت می‌نویسد: «متفرق شدن عموم... شکست فاحشی به‌فشدین بی‌ایمان داد و سدی محکم جلو شرارت و فساد کشید... و معلوم شد که ملت سر بلوا و آشوب ندارد... و با استعمال قوه کنار نمی‌کند...

آنگونه که از گزارشات سری لیاخت (شماره ۵۹) برمی‌آید، شاه اختیار تمام در برانداختن مجلس و بازگرداندن استبداد به‌وی می‌دهد و گزارشات دیگر وی (شماره ۶۰) سرسپردگی شاه را بر روسیه می‌نمایند...

متذکر میشود که اگر حمایت روسیه را می‌خواهد راه همان است که او نشان داده و لاخیر و به‌وی می‌فهماند که «اگر قبول نکند (یعنی خون‌ریزی و اجرای نقشه‌های روسیه را) روسیه به‌همچوجه از شما حمایت نخواهد کرد و هر چه بعد از این بشما واقع شود خود را مسئول نمی‌داند»...

مجاهدین تیریز که از وقایع پشت‌پرده تهران فقط از عزیمت محمدعلی میرزا به باغشاه را مطلع بودند، تلگرافی بدین مضمون به مجلس و شهرهای متعدد مخابره می‌کند: «رفتار و حرکات مخالفانه و خائنه این شخص...

ولی این تلگراف هرگز در مجلس عنوان نشد و در شهرهای دیگر نیز به اینککه مبارزه علیه نظام استبداد و دیکتاتوری حاکم دعوت شده بودند، جنبش و تحرکی ایجاد نشد. هر چند مردم مبارز رشت خروشدند ولی با تهدید نیروهای مزدور تزاری که در بندر انزلی لنگر انداخته بودند...

هنوز جنازه بزرگ مردان و مبارزین در باغشاه بر سر دار بود و مستبدین با دشمنان گرد می‌شکستند و هنوز چند روزی از سبهاران مجلس نگذشته بود که خورش آزادی خواهی از تیریز قهرمان برخاست و رشته روپاهای پلائی مرتجعین و دشمنان داخلی و خارجی را از هم گسست و مستی غرور را در اوج پیروزی از سرشان براند...

تا برقراری جامعه بی طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد

قسمت دوم

مقاله زیر ترجمه قسمتی از نشریه «ناکلا» Nacla است که گزارش دربارۀ نیکاراگوئه می‌باشد. «تاریخ نوامبر ۱۹۷۸»

سیاست باز همراه با احتیاط

در سال ۱۹۷۴ ایالات متحده آمریکا مایل بود تا امکان ایجاد یک نیروی مخالف در نیکاراگوئه را کشف نماید. بحران سرمایه‌داری جهانی روش‌های جدید را اعمال میکرد. سافورا نیتوانست به‌اندام اقتصاد ادامه دهد. و بورژوازی تقسیم شده (با نیروی انحراف دهنده جنبش) هم نیتوانست به‌رشد جنبش انقلابی مردم پاسخ گوید.

پرزیدنت فورد «جیمز ترگ» را بعنوان سفیر جدید به نیکاراگوئه فرستاد تا همکاری نیروهای قدیمی و شناخته شده از جانب مردم را با ساموزا قطع کند و روابط با بورژوازی مخالف را ایجاد نماید تا عناصر رادیکال «اتحادیه برای آزادی دموکراتیک» U.D.E.L را که جدیداً تأسیس بود، متروک کند. بیشترین امید که آمریکا نیتوانست داشته باشد این بود که توسعه این اتحادیه بعنوان یک سازمان منسجم تا انتخابات ۱۹۸۱ طول بکشد تا وقت لازم را داشته باشد. در همین زمان منافع آمریکا ایجاب کرد تا از اعمال حکومت نظامی بعد از آدم ربایی کریمس حمایت کند و صد در صد برای از بین بردن جبهه مسلح آزادیبخش ساندنیستا به کمک‌های نظامی افزود و با دادن اعتبار ۳ میلیون دلار، ساموزا تسلیحات مورد نیازش را خرید که منجر به خونریزی شهرهای نیکاراگوئه در سپتامبر ۱۹۷۸ گردید.

کمک‌های نظامی کارتر

سیاست حقوق بشر کارتر تحریک جدیدی در شرایط داخلی نیکاراگوئه ایجاد کرد، بطوریکه در ابتدا حمایت آمریکا را از نیروهای مخالف ساموزا برانگیخت. در طول سال انتخاباتی ۱۹۷۶، کمیته فرعی حقوق بشر گزارشتانی درباره نیکاراگوئه از دستگیریهایی گسترده، «کم شدن» افراد، و اعمال ستمانی اخلاقی که بوسیله گارد ملی بر علیه دهقانان برای انتقام از حملات جبهه ملی آزادیبخش ساندنیستا انجام گرفته بود، بخش کرد. این گزارشات بوسیله سازمان عفو بین‌المللی، تشکیلات مذهبی در نیکاراگوئه و گروه‌های دیگر تأیید گردیدند.

برای ۹ ماه اول حکومت کارتر، کنگره آمریکا میدان نبرد گشت. از همان اوایل دهه ۷۰، ساموزا برای اینکه در کنگره نفوذ کند به جلب حمایت بعضی از نمایندگان از طریق دادن «هدیه» پرداخت. در نتیجه لایحه ۳/۱ میلیون دلاری کمک نظامی، و ۱۵/۱ میلیون دلاری کمک اقتصادی «بشر دوستانه» به نیکاراگوئه برای سال مالی ۱۹۷۸ همچون توب بین نیروی طرفدار ساموزا در کنگره آمریکا که بوسیله «جناز ویلسون» و «جان مورفی» رهبری میشدند، و گروه حقوق بشر که در آلمان بوسیله «ادوارد کچ» هدایت میگردد، بایستو آسور پرناب میگردد. در این رقابت چند نماینده وزارت امور خارجه نیز از تصویب این لایحه حمایت میکردند اما آنرا مشروط به «بهبود حقوق بشر بوسیله ساموزا کردند.

در همین زمان کارتر «ماریکو سولان» پرفسور جامعه شناسی که کوبایی - آمریکایی میباشد، را بعنوان سفیر جدید به نیکاراگوئه فرستاد. در چند هفته بعد از رسیدن وی، در اوایل سپتامبر ۱۹۷۷، ساموزا حکومت نظامی و سانسور مطبوعات سه‌ماهه را منقضی کرد. در عوض وزارت امور خارجه آمریکا سرعت یک موافقت نامه مبنی بر کمک ۲/۵ میلیون دلاری که قسمتی از یک کمک بزرگتر بود امضاء کرده در سال بعد مطبوعات آمریکا به‌ترتیب از قطع کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا گزارش دادند. این مطلب ساهدیت بر تناقض در سیاست وزارت امور خارجه و در داخل کنگره، اما این تناقض از ناکتیک «بسا یک دست شیرینی دادن و پادست دیگر توی سرزدن» کارتر و معاون وزیر امور خارجه‌اش «اورن کریستوفر» ناشی میگردد که برای «تطهیر» دیکتاتورهای بکار میسرند. از میان «شیرینی‌هایی» که کارتر نیتواند برای ساموزا بکار گیرد بیش از ۲۰ میلیون دلار کمک نظامی و اقتصادی است که در کنگره تصویب گردیده اما مسطح مسانده. همینطور کمک‌های مالی که در مراحل مختلف معلق گردیده‌اند.

بودجه‌ای که به «برنامه کمک نظامی اختصاص داده شده بود بطور سرچسته‌ای در دو سال گذشته (۸- ۱۹۷۷) کاهش یافت. همانطور که برای تجارت

بانیکارگوئه موافقت دولت هم کاسته شد. اما تا سال مالی ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) وزارت دفاع تقاضای خود را برای کمک نظامی به نیکاراگوئه کاهش نداد. در دهه ۷۸-۱۹۶۸ آمریکا ۲۰ میلیون دلار بصورت کمک نظامی به نیکاراگوئه داد که از نظر سراسره بزرگترین دریافت کننده در آمریکای مرکزی بود. برای روشن شدن این مطلب مقایسه‌ای با کشور گواتمالا می‌کنیم. گواتمالا جمعیتی سه‌برابر نیکاراگوئه دارد و ارتش آن دو برابر نیکاراگوئه میباشد، و در همین مدت زمان ده سال فقط کمی بیشتر از ۲۲ میلیون دلار کمک نظامی دریافت کرد.

سیاست عدم مداخله - فیل در اتاق انتظار

بعد از زانو به ۱۹۷۸ که «چامورو» (صاحب یک روزنامه مخالف ساموزا) ترور شد، خیزش مردم آنچنان

نیکاراگوئه و همسایگان

قیام مهر ماه گذشته (سپتامبر) شدت بیاماتورهای محتاطانه آمریکا بمقابله برخاست. در حالیکه نتیجه قطعی بیار نیامد، تغییر در ارتباط نیروها و در افزایش قطب بندی جمعیت بوجود آورد. علیرغم فشار در حل این موقعیت خیلی بی‌ثبات، ایالات متحده دریافت که اگر یک قدم اشتباه برداشته شود ممکن است شرایط نیکاراگوئه به‌سورازه مرزها کشیده شود. تجارت بین نیکاراگوئه و کشورهای همسایه‌اش در حال تیره شدن میباشد و سرمایه‌های بین‌المللی از سرمایه‌گذاری در این منطقه معانعت دارند.

پن‌تاگون هم میترسد که کنار رفتن ساموزا بطور شخصی حکومت‌های دیکتاتوری نظامیان در شمال نیکاراگوئه را برزاند. رژیم‌های دیکتاتوری گواتمالا و «ال سالوادور» اخیراً تحت حمله جنبش‌های سازمان یافته انقلابی قرار گرفته‌اند. اگر چه در این دولتها

استراتژی آمریکا در نیکاراگوئه



گشت بافت که همه سودجویان را به‌راس انداخت. و امدهای آمریکا را برای بدست آوردن «انتخابی» در مقابل ساموزا از بین برد. اعتصاب عمومی که بوسیله رهبران کارگری و تجار که بعد از مرگ «چامورو» اعلام گردید نشان دهنده فقدان نیرویی بود که بتواند انتخاب دیگر آمریکا برای جلوگیری از تغییرات اساسی بکار گرفته شود. ایالات متحده، به‌موضع عدم دخالت عقب نشینی کرد.

مخالفین بورژوازی ساموزا مطرح کردند که اگر خیزش مردمی که همراه با عقب نشینی آمریکا در حمایت از ساموزا، گسترش یابد، استغفای وی را بیچار خواهد آورد، آنها مطرح کردند که سکوت آمریکا در حمایت از غولی که آفریده موثر است. یک مقام رسمی آمریکا حضور تاریخی آمریکا را اینگونه بیان کرد که «ما همچون فیل در اتاق انتظار هستیم، حتی اگر مسا حرکت نکنیم، شما نیتوانید ما را نادیده بگیرید.» در حقیقت ایالات متحده حرکت نکرد، اما خیلی با احتیاط تر از گسترش خیزش مردم، محتاطانه حرکت کردن آمریکا نه تنها باعث فقدان «انتخاب» دیگری در نیکاراگوئه نبود بلکه باعث فشارهای داخلی آمریکا هم بود. بنابر این در حالیکه دولت آمریکا برای یک پیش آمد خوب امیدوار بود، شرایط همچنان آماده منجر به واقعه سپتامبر گردید. آمریکا هیچ انتخابی جز ادامه حمایت از ساموزا و فشار برای ایجاد سازش تا انتخابات ۱۹۸۱ نکرد.

در ماه اردیبهشت سال گذشته بانک توسعه بین‌المللی قرضی بالغ بر ۳۲ میلیون دلار برای ساختن جاده‌ای بین دو پادگان به‌ساموزا داد. این جاده در منطقه‌ای میباشد که از سال ۱۹۷۵ بیش از ۶۰۰ دهقان در آنجا بوسیله گارد ملی کشته شده‌اند. در ماه مرداد سال گذشته کارتر تحت فشار طرفداران ساموزا در آمریکا نامه‌ای بوی نوشت و او را به‌خاطر «بسیهود» شرایط حقوق بشر در نیکاراگوئه مورد تحسین قرار داده بوده و دوستان آمریکایی ساموزا به‌امید اینکه از این نامه برای کمک بیشتر به‌ساموزا استفاده شود این نامه را به‌مطبوعات آمریکا ارسال کردند که باعث خیزش مردم در نیکاراگوئه گردید.

در حالیکه تابستان بیابانش میسرید، واشنگتن شدت در رابطه با کنترل نتایج بحران، نیکاراگوئه به‌بحث پرداخت، ادامه حمایت از ساموزا نیتوانست یک «راه حل از نوع کوبیا» را ایجاد کند که در آن بورژوازی ضعیف در اتحاد با جبهه مسلح آزادیبخش ساندنیست تحلیل می‌رود کنار گذاردن ساموزا این‌ریسک دارد که نیروهای مخالف نتوانند موقعیت را بدست گیرند. بعضی مواقع به «راه حل از نوع دبسم» اشاره میگردد. (رئیس جمهوری اسبق ویتنام که بوسیله سیا کشته شد)

نیکاراگوئه باعث شد که رئیس‌جمهور ونزولا برای دفاع از کوستاریکا بر علیه گارد ملی که در مهرماه گذشته این کشور را بمباران کرد چندین هواپیما به کوستاریکا بفرستد. بعلاوه احزاب سوسیال دموکرات اروپایی به «ترسریستاس» (که بخشی از نیروهای مخالف ساموزا هست و طرفدار روش‌های اصلاح طلبانه میباشد) کمک‌های نظامی و مالی می‌کند. این احزاب ظاهراً برای سرنگونی رژیم ساموزا و شرکت جبهه ملی آزادیبخش ساندنیست در دولت جدید کمک می‌کنند. آنها جریان اصلاح طلبانه‌ای را دنبال می‌کند و میخواهند گرایشات دیگر را نیز در همین مسیر نگهدارند. برای اجتناب از انفجار این جبهه (ترکیب نیروها) بوسیله یک حرقه غیر ضروری، ایالات متحده از سازمان کشورهای آمریکا خواسته تا در این بحران بی‌توجهی کند، کوشش برای پنهان کردن دخالت خود در روابط درونی این سازمان. بالاخره، یک تیم میانجی مرکب از ایالات متحده، گواتمالا، و جمهوری دومینیکن که مورد قبول هر دو طرف بود تشکیل گردید.

مخالفین ساموزا یک کمیسیون سه نفری بودند که بوسیله «جبهه گسترده متحده» F.A.O انتخاب شده بود و به‌نماینده‌گی از طرف همه بخش‌های مخالفین صحبت کرد. کمیسیون که غلظتی از اتحاد بزرگتر در داخل نیروهای مخالف بود مرکب از «آلفونسو روبیلو» رهبر زیرک «جنبش دموکراتیک نیکاراگوئه» M.D.N تاجر جری که شدیداً بفکر منافع آمریکاست، «اقائل کوردوا ریواس» رهبر محبوب «اتحادیه برای آزادی دموکراتیک» U.D.E.L، و سرژیو رامیرز» وکیل، نویسنده و عضو گروه «توالو» می‌باشد حضور «رامیرز» بطور برداشت میشود که برای ارتسباط با «ترسریستاس» میباشد.

خارج از وحدت پسین این نیروها، کمیسیون انعکاسی از تمام تقسیمات درونی «جبهه گسترده متحده» میباشد. هر کدام از بخش‌های این جبهه برنامه خود را برای نیکاراگوئه بعد از ساموزا دارد که هیچکدام مورد قبول آمریکان نیست. حرکت بعدی میانجی‌گران این بود که هم‌زمان بتوانند نیروهای بورژوازی را با هم ترکیب کند و توجه را از «جبهه مسلح آزادیبخش ساندنیست» به آمریکا منتقل کنند. و به‌تصفیه عناصر رادیکال بپردازند تا یک حرکت ائتلافی که بفع آمریکا میباشد ایجاد گردد. در اواخر اکتبر بود که کمیسیون میانجی «جبهه گسترده متحده» را مطمئن ساخت که ساموزا کشور را ترک می‌کند، و نقشه آمریکا را برای ایجاد یک دولت موقت که اعضاء حزب آزادیخواه ساموزا را در برداشت مطرح کرد را گروه «توالو» فوراً از کمیسیون میانجی و «جبهه گسترده متحده» خارج شد، و ایالات متحده را متهم کرد که میخواهد ساخت‌های فاسد ساموزا را دست نخورده نگاهدارد و مسئله را فقط به‌تخص ساموزا محدود کند، آنها حتی «قول» آمریکا را در کنار گذاردن ساموزا از صحنه رد کردند و حمایت آمریکا را از ساموزا بوسیله تهیه اسلحه از طریق

بته‌از صفحه ۳

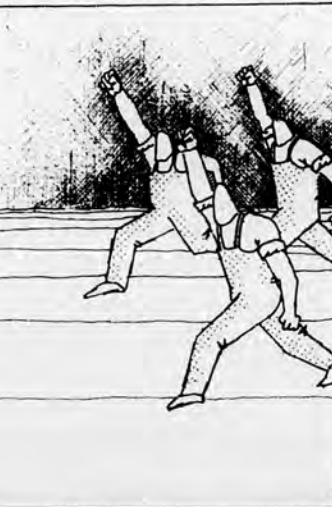
تعطیل نمائیم تا این نیروی عظیم بتواند در بخش‌های مختلف دگرگونی بنیادی روستاها نقش لازم را انجام دهند. بیسودی را ریشه‌کن نمایند. این مسئله در کنفرانس استانداران هم مطرح شد. ولی هنوز آثاری از ابلاغ که بتواند اختیارات را بجا بدهد، ندیده‌ایم. اما واقعیت این است که من به‌سهم خودم تصمیم گرفته‌ام، و به‌رؤسای دواتر هم گفته‌ام، که اگر هم دولت اختیارات لازم را ندهد ما باید کارهای لازم را انجام دهیم و تمام مسؤولیتها را نیز خود قبول میکنم. زیرا اگر قرار باشد که بنده استاندار باشم، در قبال انقلاب و مردم احساس مسؤولیت می‌کنم و وقتی می‌بینم کارم با آن ضوابط غلط پیش نمیرود و نیتوانم خدمتی به‌مردم بکنم آن ضوابط را زیر پا خواهم گذارد تا بتوانم برای مردم کاری بکنم. ادامه دارد.



۱۲ - انتشارات رهیار - میدان انقلاب - اول خیابان کارگر  
۱۰ - مسجد اعظم - خیابان شیر و خورشید - خیابان رابط کریم  
۱۳ - مسجد فاطمه زهرا (ع) - خیابان امام زمان (ع) - خیابان استاد معین

بته‌از صفحه ۳

بته‌از صفحه ۳ مصاحبه  
تعطیل نمائیم تا این نیروی عظیم بتواند در بخش‌های مختلف دگرگونی بنیادی روستاها نقش لازم را انجام دهند. بیسودی را ریشه‌کن نمایند. این مسئله در کنفرانس استانداران هم مطرح شد. ولی هنوز آثاری از ابلاغ که بتواند اختیارات را بجا بدهد، ندیده‌ایم. اما واقعیت این است که من به‌سهم خودم تصمیم گرفته‌ام، و به‌رؤسای دواتر هم گفته‌ام، که اگر هم دولت اختیارات لازم را ندهد ما باید کارهای لازم را انجام دهیم و تمام مسؤولیتها را نیز خود قبول میکنم. زیرا اگر قرار باشد که بنده استاندار باشم، در قبال انقلاب و مردم احساس مسؤولیت می‌کنم و وقتی می‌بینم کارم با آن ضوابط غلط پیش نمیرود و نیتوانم خدمتی به‌مردم بکنم آن ضوابط را زیر پا خواهم گذارد تا بتوانم برای مردم کاری بکنم. ادامه دارد.



۱۰ - مسجد اعظم - خیابان شیر و خورشید - خیابان رابط کریم  
۱۱ - انتشارات صادق - خیابان آتاتول فرانس

بته‌از صفحه ۳

بته‌از صفحه ۳ لایحه قانونی ...  
خود را با محیط خارج قطع نکنند. این خواست سرمایه‌داران و صاحبان صنایع است که کارگران رابطه‌ای با محیط خارج نداشته باشند اما هر لایحه می‌خواهند برای «سود بیشتر» خود بر سر آنها بیآورند. درهای کارگاهها و کارخانجات باید بروی مردم باز باشد تا کارگران زحمتکش مادر میان مردم و در پناه مردم از حیل‌های سرمایه‌داران وابسته محفوظ و از سلطه سرمایه‌داران مرنج معصوم بمانند. و این نکته را باید توجه داشت که جلو حرکت عناصر ضد انقلاب را هم با لایحه نمی‌شود گرفت مگر با ایجاد شوراهای کارگری در محیط کار و بدست‌گیری قدرت اجرایی بوسیله آنها. حال اگر اینجا هم، قلم متعهد، یک انسان متعهد به‌درون کارگاه و کارخانه راه یابد و بازگو کننده درد و رنج آنان باشد. این به‌مفهوم «تحریک کارگران و ... است و به‌معنای «ضربه‌زدن به‌مصالح عمومی و استقلال اقتصادی کشور» است. راستی ارزش‌های انقلابی آموخته بودند که واژه‌ها در دوران انقلاب اصالت خویش را باز خواهند یافت و از قید و منسج استبدادها می‌شوند و شکوفائی نوینی می‌یابند، زیرا واژه‌ها در انقلاب مفهوم رهائی انسان را در بر می‌گیرد. شما از عنوان این واژه‌ها در چنین مفاهیمی، بوی همان منسج و قید را استشراق نمی‌کنید. راست گفت، آنکه گفت «واژه دیگر باید ساخت» در عصری که بخواهند انقلاب را بدادگاههای ضد انقلاب بکشانند.

۱۲ - انتشارات رهیار - میدان انقلاب - اول خیابان کارگر  
۱۰ - مسجد اعظم - خیابان شیر و خورشید - خیابان رابط کریم  
۱۳ - مسجد فاطمه زهرا (ع) - خیابان امام زمان (ع) - خیابان استاد معین

وحدت نیروهای انقلابی مسلمان ضامن پیروزی ماست

## بقیه از صفحه ۱ گزارش از کارخانه

مسئولین امر اگر بفکر حفظ دست‌آورد های انقلاب هستند، اگر بخون شهدای بخون خفته ایمان دارند و احساس مسئولیت و تعهد میکنند باید قاطعانه از تشکیل شوراهای اسلامی کارخانجات مرکب از کارگران، تکنسین‌ها و مهندسیان منعقد که در عمل نشان دادند بهتر از هر مدیریتی میتواند کارخانه را اداره کنند پشتیبانی کرده و با خلع ید از سرمایه‌داران وابسته توسط کمیته‌های ضد انقلاب را خنثی نمایند.

آیا این همه سرکوب و استعمار کارگر و طبقه زحمت کش توسط انگل‌های جامعه هنوز کافی نیست؟

آیا وقت آن نرسیده است که نظام طاغوت را از بنیان زبرو رو کنیم؛ اگر امروز بعد از انقلاب اسلامی کارگر مسلمان به حق طبیعی و خسرو استه اصلی خویش نرسد پس چه وقت خواهد رسید، اگر امروز با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته احکام اسلام را عمل نکنیم پس کی احکام اسلام عمل خواهد شد، امروز مسئولیت بسیار سنگین و دشواری به عهده مسئولین امر قرار دارد. آنها باید در برابر خدا و خلق پاسخ دهند این همه اهمال و سستی در جهت احقاق حقوق کارگر چگونه توجیه میشود، حمایت نکردن از شورای کارگران کارخانه‌ها با توجه بدستور امام و اصل خدشه‌ناپذیر اسلامی شورا چه معنای دارد. آیا امروز که همه نیروها در جهت ما هستند وقت عمل با اصول اسلام نیست، امروز خلق قهرمان با نیروی لایزال خویش همراه و پشتیبان شماست باتکالی خدای بزرگ امروز مسئولان ستم‌های راه تکامل و رشد استعدادهای بشر را برداشت.

آیا هیچ خود را در شرایط زندگی کارگران و زحمت‌کنان در یک کلام مستضعفین جامعه قرار داده‌ایم؛ آیا دردها و رنج‌های آنها را احساس کرده‌ایم؟ اگر برآستی بفکر مستضعفین هستیم بیاید امتحان کنید. در کارگاه‌های گرم و شرایط نامناسب محیط کار و شرایط طاقت‌فرسای کارخانه‌ها فقط یک روز مثل کارگر کار کنید آنگاه شاید متوجه شوید که استعمار یعنی چه و درک کنید فاصله عمیق بین استعمار در گفتار و عمل چقدر است. شاهد سرگ تدریجی خود توأم با شکنجه بودن یعنی چه، و مفهوم واقعی آن چیست کارگران بعد از انقلاب وجود مناسبات و روابط استثماری حاکم بر محیط کار و قوانین طاغوتی مربوطه را تحمل نخواهند کرد. وجود فرمایشی گرانتیمت زیر پای مسئولین امر در وزارت کار و محیط بوروکراسی حاکم بر آن دیگر برای کارگر آگاه و مسلمان که نمونه‌های رهبری را در علی و علی‌گونها میجوید تحمل نخواهد کرد. بقیه باز هم این کارگران هستند که با صبری انقلابی چنین شرایط طاقت‌فرسائی را تحمل میکنند. بیاید قبل از اینکه فرصت را از دست بدهیم در دست عمل کنیم.

## اوضاع کارخانه قبل از انقلاب

در زمان رژیم طاغوت برای سرکوبی خواستهای کارگران عموماً مدیران و مسئولین حفاظت کارخانه از مأموران ساواک و با خود فرخته‌گان بازنشسته ارتش استفاده میشد از سالهای ۵۱-۵۲ تیسار حاجت رئیس کارخانه میشود تولید حدود ۷ کامیون در روز را به ۱۴ کامیون و کارگران را در دو شیفت به کار میگردد. در این اواخر میزان تولید در اوج استعمار به ۴۲ کامیون در روز رسیده بود برادر کارگری میگفت «اگر فقط یک درصد از سودویزه تولید را به کارگران میدادند بهتر کارگری ۳۵ هزار تومان میرسد در حالیکه ما مبلغ بسیار اندکی بعنوان سودویزه دریافت میکردیم و بسا میگفتند ۲۰ درصد از سودویزه را بشما میدهند» کارگران کارخانه برای تحقق حداقل خواستهای بحق خویش در آرزوی ۵۶ مددت ۱۴ روز اعتصاب کرده و دست از کار میکشند. سرهنگ گل‌سرخ مأمور سابق ساواک در اثرتیش برای سرکوب اعتصاب، مأمور حفاظت کارخانه میشود. به کمک عمال ساواک و مزدوران ارتش شدت تظاهرات کارگران را سرکوب و با ضرب و شتم آنها را تهدید به اخراج و زندان میکند. کارگران آزادبخواه را با مارک احلالگر از کارخانه بیرون میکند.

با اوج‌گیری مبارزات خلق و تودهای شدن مبارزه و پیوستن فعال کارگران به صفوف تظاهرات مردمی سرهنگ گل‌سرخ خود فروخته پیش از پیش به‌ادبیت و آزار کارگران میردازد، بطوریکه کارگران هنگام ورود خروج به کارخانه بازرسی میشوند که میداد اعلامیه‌ای و نوشته‌های همراه داشته باشند که در آگاهی کارگر مؤثر اند.

سرهنگ گل‌سرخ مزدور، کارگری را به دلیل اینکه صلوات میفرستاد به این بهانه که صلواتش سیاسی است مورد ضرب و شتم و تهدید قرار میدهد. بهر صورت در طول اعتصابات مردمی به اصطلاح مسئولین کارخانه سعی میکنند از تعطیل شدن کارخانه جلوگیری نمایند. بالاخره با پیگیری مبارزه از طرف کارگران، کارخانه از ۹ دیماه تعطیل میشود. کارفرما میکوشد با تهدید باخراج ۴۰۸ کارگر و کسر ۵۰ درصد حقوق در ایام تعطیل اعتصاب را بشکند که با اعتراض شدید کارگران مواجه شده و موضع خود را پس میگیرد. کارگران با پیروزی مرحله اول انقلاب اسلامی بدستور امام از ۲۸ بهمن بسر کار بر میگردد.

«وضعیت کارخانه پس از انقلاب»  
توطئه‌های ضد انقلابی کارفرما

— تصمیم به اخراج کارگران (۵۰۰ نفر) بسنظور شدت بخشیدن به بحران بیکاری.

— عدم تسویه بدستور دولت موقوف در مورد بازگرداندن کارگران اخراجی (بعد از شهریور ۵۷) به کار.

— عدم سفارش قطعات و مواد اولیه لازم برای ادامه تولید، نتیجتاً تعطیل کارخانه و حداقل ایجاد بیکاری.

## — اگر کارگر دوباره در بی‌خبری بماند نمی‌تواند مسائل را درک کند که

چه چیز بنفع جامعه است و چه چیز نیست.

## — اکنون مدت چهار ماه است که کارخانه بدون وجود آلمان‌سیها بدست

پر قدرت کارگران و مهندسیان ایرانی اداره میشود.

## — اگر امروز با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته احکام اسلام را عمل نکنیم

پس کی احکام اسلام عمل خواهد شد؟

## — فقط یک روز مثل کارگر کار کنید آنگاه شاید متوجه شوید که

استعمار یعنی چه و درک کنید فاصله عمیق بین استعمار در گفتار و عمل چقدر است.

## گفتگویی در مورد چگونگی تشکیل شورای کارگران کارخانه با برادران کارگر

— عدم پرداخت مساعده مقرر به کارگران بسنظور تحریک کارگران.

— برادران کارگر در برابر این توطئه‌های کارفرما اظهار داشتند: «با تمام این تفاسیر کارگران آگاه هیچگاه تحت تأثیر توطئه و شایعه پراکنی‌های کارفرما و عتالش قرار ننگرفته و تا با امروز کلیه کارگران این کارخانه در کمال آرامش ضمن کوشش در سحرکت درآوردن چرخهای کارخانه گوش بفرمان رهبر انقلاب و دولت موقت خود هستند» کارگران هشدار دادند که عدم تصفیه کارفرما و عتالش منجر به تعطیل کارخانه خواهد شد و لذا از مسئولین امر خواستار بودند تا قبل از وقوع هر گونه توطئه از طرف کارفرما بر علیه کارگران و دولت موقت، تصمیمات لازم در جهت حمایت کامل از شوراهای اسلامی کارگران اتخاذ نمایند.

سهل‌انگاری مقامات وزارت کار یکی از برادران کارگر عضو شورای کارگری کارخانه در مورد علل مشکلات شوره و عدم قدرت اجرائی آن توضیح میدهد: «در رابطه با مسئله شورای کارگری ما سه بار پیش آقای فروهر رفتیم و از ایشان خواستیم که شوراهای کارگری را برسر میبندند و همچنین خانه کارگر را بگیرند و بدهند به کارگران واقعی، اما متأسفانه آقای فروهر نه تنها از خواست ما حمایت نکرد بلکه فقط بظاهر گفت که شوراهای را قبول داریم ولی باید دلیل بیاورند که چه مزایای بیشتری از سندیکا دارد، چون ایشان معتقدند که بجای شوراهای اسلامی باید سندیکا تشکیل گردد و دلیلی هم که می‌آورد اینست که در شوری شوراهای نتوانسته اند کاری بکنند. جای تعجب است که ایشان شوراهای اسلامی را که از من قرآن برمی‌آید یا شوراهای کشور کمیونیستی مقایسه می‌کنند. ما برای مسئولین درباره شوراهای اسلامی توضیح دادیم و از قرآن آیه آوردیم و همچنین مثال‌های تاریخی زیادی از زمان پیغمبر آوردیم ولی آنها پایشان را در یک کفش کرده اند و می‌گویند شما اینکار را نمی‌توانید بکنید. یکی از معاونین ایشان که تا بحال سه بار نزد وزیر رفقایم که ایشان هم بوده‌اند و متأسفانه هر وقت ما از اسلام و قرآن حرف زدیم، ایشان پوزخند مسخره آمیزی می‌زنند و می‌گویند که شما مسئله شوراهای را از کشورهای کمیونیستی الهام گرفته‌اید در حالیکه ما انتظار داریم دولت اسلامی باید مزایای شوراهای اسلامی را برای ما بگوید نه ما برای آنها. مگر مسا چیزی بسجز مسائلی که قرآن و امام و آقای طالقانی مطرح میکنند، می‌گوئیم.

ما سندیکا را قبول نداریم چون تنها به مسائل صنفی رسیدگی میکند و سرمایه‌دار یک طرف قرارداد و کارگر طرف دیگر و برسر منافع بیشتر بسر سرهم می‌زنند.

در حالی که هدف ما کارگران منافع نیست، خواست ما آگاه شدن است و برای اینکار امکانات لازم است. ما میخواهیم که با تولید بیشتر و بهتر به مردم خودمان خدمت کنیم نه به سرمایه‌دار. اگر کارگر دوباره در بی‌خبری بماند نمی‌تواند مسائل را درک کند که چه چیز بنفع جامعه است و چه چیز نیست. موضوع دیگری که ما شنیده‌ایم و بسیار نگران‌مان ساخته، اینست

در حال حاضر مدیریتی در کارخانه وجود ندارد و ما سعی کرده‌ایم خودمان مسائل را در سطح کارخانه حل کنیم و گفته‌ایم که ما در مدیریت دخالتی نخواهیم داشت و تنها بر کار آنها نظارت می‌کنیم. در صورتیکه اعضای هیئت‌مدیره صالح و صادق باشند تا حسن کارگران را با پامال نکنند. کارفرما فعلاً به کارخانه نمی‌آید و بوسیله افرادی خود سعی میکند که شورا را منحل نماید»

که وزارت کار تصمیم به ایجاد نیروی ویژه‌ای در رابطه با برقراری نظم کرده است که این نیرو تحت نظر وزارت دادگستری است و فکر می‌کنیم در جهت سرکوبی کارگران است. ممکن است در ظاهر وانمود کنند که این نیرو برای نظم است ولی چه نیروی بهتر از خود کارگران در برقراری نظم میتواند وجود داشته باشد. مگر تا بحال این کارگران نبوده‌اند که کارخانه‌ها را میگردانند و نظم را برقرار ساخته‌اند.

در این مملکت که ما نان نداریم بخوریم، فرشتهای بالای ۲۰ هزار تومانی باید در وزارت کار زیر پای آقایان بمانند آنگاه در ما را نمی‌توانند درک کنند. آنها خصومت کارفرما با کارگر را نمی‌توانند بفهمند. ما انقلاب نکردیم که بیرویم دست به سینه جلوی سکرتر خوش لباس آقای وزیر بایستیم و مشکلاتمان را با ایشان مطرح کنیم، چطور اینها می‌توانند مشکلات ما را بفهمند؟ آقای نخست‌وزیر باید بیاید درون ما کارگران، باید بیاید در کنار ما زندگی کند تا بفهمد کارگر چه می‌گوید. عوامل وزارت کار منظرند تا تا یک شلوغی در کارخانه وجود یابد تا بعد بفکر ما بیفتند. آیا وزارت کار طرفدار کارگر است یا کارفرما؟

## برای آگاهی بیشتر از وضع کارگران

کارخانه بسا تنسی چند از برادران کارگر به گفتگو می‌نشینیم.

س — برادر شما چند سال است که در اینجا مشغول به کار هستید و در حال حاضر چقدر حقوق میگورید؟

ج — من مدت هفت سال است که در این کارخانه کار میکنم و با حقوق ماهی ۳۶۶ تومان شروع به کار کردم و الان ماهی ۱۸۴۲ تومان میگورم چند بار پیش سرپرستان رفتم و درخواست اضافه حقوق نمودم اما ایشان در جواب همیشه گفته‌اند که همین است میخواهی کار کن میخواهی نکن.

س — آیا از عملکرد شورای کارخانه راضی هستید؟

ج — به خیلی راضی هستم اگر شورا نبود الان کارخانه خرابی بود یکی از خواسته‌های ما از شورا اینست که طبقه بندی مشاغل را بطور صحیح انجام دهد. برادر دیگری جواب میدهد:

من الان مدت هفت سال است که اینجا کار میکنم و حقوق تا نیم ماهی ۱۹۵۳ تومان است از شورای کارخانه خیلی راضی هستم و ما سندیکا نمیخواهیم و شورا را ترجیح میدهم.

فعلاً برنامه‌های شورا خوب است و باید به‌وضع بهداشت و حقوق و مسئله مسکن کارگران رسیدگی شود.

س — نظر شما راجع به دولت موقت چیست؟

ج — برنامه‌های دولت خوب است البته اگر به حرفهای عمل عمل کند و باید بیشتر به کارگران برسد.

س — نظر شما راجع به سندیکا و شورا چیست؟

ج — اگر سندیکا روی کار بیاید دوباره وضع ما مثل سابق میشود. کارگر هیچ دل خوشی از سندیکا ندارد. شورا به کارگر نزدیکتر است تا سندیکا. در شورا همه افراد از بین خودمان انتخاب میشوند اما در سندیکا عوامل کارفرما نیز وجود دارند. الان کارخانه مدت چهار ماه است که بدون کارفرما توسط شورا اداره میشود پنجاه سال دیگر هم اگر نباید کارخانه به امید خدا میگردد.

با تشکر از همکاری برادران کارگر در تهیه این گزارش

هر چه گسترده‌تر باد مبارزات برادران کارگر علیه استعمارگران!

۱ — «اگر امروز اسلام را پیاده نکنیم، چه وقت می‌خواهیم اینکار را بکنیم» امام خمینی

## بقیه از صفحه ۴

## ستارمردی...

مجاهدین برای درهم شکستن نظام استبداد و دیکتاتوری حاکم، اولین حمله مهاجمین به آسانی دفع میشود.

رژیم که اوضاع را اینگونه می‌بیند و متوجه میشود که قیام تبریز بر چه زمینه‌هایی استوار است، نیروهای تازه نفس بفرماندهی رحیم‌خان به عمل اعزام میدارد و از طرف دیگر عین‌الاوله را که در کینه و دشمنی پازادی و آزادیخواهی زیانزد عام و خاص است بعنوان حکمران و سپهبد را بستم رئیس کل قرا به‌تبریز گسیل میدارد. حمله رحیم‌خان مجاهدین را در فشار شدیدتری قرار میدهد. مردم پرچم‌های سفید تسلیم را سرد خانه آویزان میکنند. رحیم‌خان که بیشترین حمله را متوجه «غیاپان» محل استقرار باقرخان کرده بود، آنها را بعد از مقاومت زیاد با میانگیری کونسول روس و فشار زیاد مردم محل به تسلیم وامی‌دارد.

## نامه‌ای از جنرال موتور

## ایران

## بسمه تعالی

بمنظور اثبات حقایق چند ورژ اظهارات عده‌ای تحت عنوان کارگران این کارخانه که آگاهانه و ناآگاهانه مطالبی نادرست و غرض‌آلود در نشریه (کار) سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ارائه و درج نموده‌اند، بدینوسیله توجه کارکنان گرامی این شرکت و سایر افراد علاقمند را به‌اشارتی در این باره جلب مینمایم. ۱ — رجوع به صفحه ۱۲ نشریه کار تاریخ ۵۸/۳/۱۷ مربوط به اجازه منازل آمریکانها در این مورد مدیریت جدید نسبت به قطع پرداخت کرایه خانه خارجی‌ان اقدام نموده است و حتی در جواب این اقدام عدم پرداخت اجاره، شرکت جنرال موتورز آمریکا طی ارسال تلکسی در تاریخ ۵۸/۳/۱۷ که خلاصه متن آن شرح زیر میباشد از شرکت جنرال موتورز ایران خواسته است که موقتاً از محل سهام ۲۵٪ حساب آنها اجاره بها پرداخت شود که البته مدیریت جدید با توجه به پائین آمدن کرایه خانه‌ها مبلغ کمتری را خواهد پرداخت. و اما ترجمه خلاصه متن تلکس که اصل آن ضمیمه میباشد این شرح است.

۸۵/۳/۱۲

فوری

از اقدام شما در مورد قطع پرداخت اجاره‌بهای منازل آقایان گن، مک‌انگن، لیگورلی و مک کاشی مطلع گشتیم و در این باره از شما درخواست میکنم که نسبت به ادامه پرداخت اجاره‌بهای منازل آقایان نامبرده فوق از حساب ما اقدام ننمایید.

امضاء — جی. وای. گن دبیرتوس. آمریکا با توجه به تاریخ ارسال تلکس و مضمون آن و همچنین مقاله مندرج در نشریه کار بی اطلاع و غرض‌ورزی آن عده تحت عنوان کارگران جنرال موتورز ایران ثابت میگردد.

۲ — درباره پرداخت حقوق آقایان اکرمی، ششانی و عشقی. بطور کلی طبق صورت و جدول تعدیل حقوق‌های در سطح بالای. از ساه اردیبهشت ۱۳۵۸ تصمیم گرفته شد و از همان وقت وارد مرحله عمل گردیده است که این تصمیم‌گیری شامل حال آقایان نامبرده فوق غیر از آقای عشقی که مستغنی است گردیده است.

پس در نتیجه تمام شایعات و اخبار کذب که در سطح کارخانجات و نشریات مختلف پخش مینمایند صرفاً بمنظور ایجاد ناراضی‌ها که قبلاً طرح ریزی شده است گشته که این خود باعث کم‌کارها، واغشاشات و بی‌نظمی میگردد که این خود نیز منجر به عدم شدن از جهات سازندگی و اهداف اصلی میگردد که خوشبختانه تماماً و تا با امروز و با هوشتاری اکثریت کارکنان شرکت این اقدامات مفرضانه خنثی و نقش بر آب شده است. و در آخر شورای اسلامی جنرال موتورز ایران همیشه آماده ارائه دلایل در رد شایعات و جواب‌گوی هر گونه سئوالات در زمینه‌های مختلف میباشد مشروط بر اینکه مراجعات مستقیماً و بی‌غرضانه انجام گیرد.

شهر در وحشت و خفقان عجیبی فرو می‌رود. آزادیخواهان مورد تعقیب قرار می‌گیرند، انجمن ایالتی تعطیل میشود و اغلب اعضایش متواری میگرددند و کار تمام شده تلقی میشود و ارتجاع سرپریمی دارد که ناگهان در میان بهت و حیرت و در بحبوه پاس و نومیدی که شهر بیکاره می‌رفت تا تسلیم مهاجمان گردد، صدای آزادی‌خواهی از گلی ستار در فضای خفقان‌آلود تبریز و ایران می‌پیچد و بسپاروزن اسید و حرارت و ایمان می‌بششد، ناگهان صدایی در شهر طنین‌انداز میشود که: ستارخان آمریزمی قیام کرده است. در این شرایط بین مرگ و زندگی که حیات ایران و مشروطه تنها بیک مرد و بیک صله بسته بود، کونسول روس که در سست کردن اراده و بازوی ملیون به طولانی دارد برای فریب و به‌سازش کشاندن ستار به امیرخیز می‌رود ستار پاره‌بند و با کلاه نمدی بر سر و تفنگ بدست پیش می‌تازد. او مژورانه میگردد. ستار «من امروز «بخیاپان» و دوجمی رفتم و حالا اینها آمده‌اند تا از شما پیمان بگیرم که بچنگ پیشدستی نکنید تا پیشامد یا مذاکره پایان پذیرد و ستار جواب میدهد که «ما هیچگاه بچنگ پیشدستی نمیکنیم و همیشه از آن سوی بسا حمله میشود ما جلوشان را می‌گیریم. کونسول سعی میکند که با وعده و وعید ستار را به تسلیم وادار و قول میدهد که در صورت رفتن بفریز بیرق روس سر قره‌سورانی آذربایجان را از دولت برایش بگیرد اما ستار با قاطعیت آه پایی بر روی دست این سفیر شیطان می‌ریزد، «جنرال کونسول من میخواهم هفتاد دولت زیر بیرق ایران بیایند اما من زیر بیرق بیگانه

بقیه در صفحه ۷

# مبارزه توده‌ای در شرف تکوین است

ترجمه از: لوموند دیپلوماتیک تاریخ - ۱ مه ۱۹۷۹

در اواخر دهه نهم قرن اخیر کشورهای «جهان سوم» به‌ش مبارزات راهائی بخش. استقلال سیاسی خویش را بدست آوردند. ولی برخی از این کشورها و... وارد جری که توسعه سریع سرمایه‌داری گردیده‌اند بی‌ریزی این نوع توسعه و رشد بسبب و شیوه غریبی و شرکت وسیع در سیستم تقسیم بین‌المللی کار و توسعه واردات لوازم صنعتی از غرب، باعث بوجود آمدن تضادهای اجتماعی و وابستگی به تکنیک و سرمایه‌های خارجی گردید. همچنین با بررسی خصوصیات محدود در دگرگونی مناسبات تولیدی در دنیای شهری (که بهترین شکل آن فرم‌های کشاورزی بورژوازی میباشد) باعث کمبود مواد غذایی گردیده است.

## شوروی و چین...

... علیرغم ادعای شوروی و چین در اینکه اقتصادشان بر نهادهای غیر سرمایه‌داری استوار است، ولی می‌خواهند در سیستم تجاری سرمایه‌داری بین‌المللی وارد شوند، و حتی مایل به همکاری با شرکت‌های چند ملیتی (Multinational)، و عقد قرارداد تجاری با آنها می‌باشند. دولت‌های تحت نفوذ که از همکاری‌های اقتصادی با این کشورها (چین و شوروی) سود نبرده‌اند، با انجام برنامه‌های نامقول، رشد اقتصادشان برکود و ایستایی گرایش پیدا می‌کند. و با اسباب و سکوت در این جریانات، جامعه شوروی و چین با مشخصه نهادهای مناسبات تولیدی‌شان (سوسیالیستی یا غیر سوسیالیستی) یک اقتصاد ملی و خودمحوری را در این کشورها بوجود آورده‌اند. و بر همین اساس است که در شرایط کنونی با در نظر گرفتن بحران و تورم در اقتصاد غرب، شوروی و چین به‌سادگی و با موضوع ضعف وارد «بازار جهانی» و معامله با آنها نمی‌شوند. شرایط حاکم در کشورهای جهان سوم با آنچه در کشورهای صنعتی غرب با شرق می‌باشد، متفاوت است، و علت این تفاوت در بطن شرایط تاریخی تشکیل مناطق نفوذ قرار دارد. در شوروی و چین، عصر انقلاب زمانی عیان شد، که دسته‌ای از طبقه کارگر و دهقانان استثمار می‌شدند و همچنین طبقات متوسط دیگر بر علیه سرمایه‌داری به‌قیمت برخاستند. این احساسات ضد سرمایه‌داری و عوامل دیگر بود که توانست امکان اقتصادی ملی و غیر وابسته را برای آنها بوجود بیاورد. از طرف دیگر در اثر قسب‌های دهقانی و واژگونی مناسبات اجتماعی در دهات، زمینه برای رشد سرمایه‌داری کشاورزی و مواد غذایی و کشاورزی مدرن ایجاد شد. حال آنکه علاوه بر این دوره انقلابی در کشورهای اروپای جنوبی، کاملاً محسوس است، همچنانکه سرمایه‌داری آن تولد یافته از یک انقلاب دهقانی و یا سوسیالیستی نمی‌باشد. بلکه درست از بطن امپریالیسم متولد شده است. و اما کشورهای وابسته، از آنجائیکه یک انقلاب دهقانی در آن به‌انجام نرسیده است، نمی‌تواند با وجود «بحران کشاورزی»، صنعت خود را همراه توسعه کشاورزی حمایت کند و رشد دهد. و در این شرایط، این کشورها، نه تنها نمی‌توانند یک سرمایه‌داری ملی خود بوجود بیاورند، بلکه از ایجاد یک اقتصاد سالم هم محرومند، و در نتیجه با حرکت بسوی سیستم سرمایه‌داری وابسته و تغذیه از آن، خود را موقتاً حفظ می‌کنند.

## قیام‌های توده‌ای:

با تحلیل محتوی طبقاتی دولت‌های توسعه نیافته، میتوان پی به‌بندهای آنان در استراتژی‌شان برد. آنها خواهان ایجاد اقتصادی ملی و مستقل بوده، بلکه تمایل به‌ورود در نظام بین‌المللی کار دارند. و به‌این وسیله، مواضع خود را که اغلب بسبب ضعف مردم و حفظ شرایط موجود و وابستگی سیاسی - اقتصادی به‌ایر قدرتها را دارند، گرایش دولت‌های تحت سلطه، به‌یکی از ایر قدرتها و همکاری با آنان، بخاطر برطرف نمودن کمبودها و ضعف‌های استراتژی آنهاست. چنین استراتژی جوایگی نیازهای اساسی توده‌ها نیست، و تنها به‌بازی گرفتن کشورهای ضعیف (از نظر اقتصادی، سیاسی) در مبارزه ایر قدرتها برای حاکمیت و تقسیم جهان در بین خود می‌باشد. و حوادث جاری در جهان، گواه روشن در افتشاه چهره طبقات استثمارگر است. اکنون آزادی کشورهای تحت سلطه تنها در گرو قیام‌های توده‌ای همه جانبه‌ای می‌باشد. که نشانه‌های آن محسوس است، چنانکه این گونه جنبش‌ها و بخصوص حوادث ایران این موضوع را ثابت کرد. بر خلاف نظریه نسل‌های گذشته، که راه حل مسائل خود را در ادغام با نظام سرمایه‌داری جهانی میدانند، نسل‌های کنونی با مخالفت با چنین افکاری، نقش مهمی در مقابله با رشد و توسعه سرمایه‌داری و دگرگونی جهان با وجود آوردن قیام‌های توده‌ای ایفاء می‌کنند.

### زیر نویس

۱ - «تقسیم بین‌المللی کار، رابطه‌ایست که کشورهای در حال توسعه در جهان سوم، بخاطر تولید غیر صنعتی و مواد خام و بومی، در مقابل کشورهای پیشرفته صنعتی با تولیدات صنایع مدرن و الکترونیک و پایه‌ای ایجاد می‌کنند. رابطه‌ای که کشورهای جهان سوم را به‌سرمایه‌داری غرب وابسته می‌سازد.»

## بقیه از صفحه ۲ شیطان و انسان

است - او را از لباس و ظاهر و سخنانش نمی‌توان شناخت، بلکه از توصیها، موضع‌گیری اجتماعی و اخلاقی و راه‌روم پیشنهادی و معیارهایی که ارائه می‌دهد قابل شناسایی است. هشیاری و مراقبت دائمی لازم است تا آدمی از راه به‌بیراهه نلغزد. حین انجام یک خدمت اجتماعی به‌ورطه ریا و خودخواهی و سودجویی سقوط نکند ایمان و مذهبش از محتوی نهی نگردد و در پویش عدالت و برادری، دست به‌ظلم و سلطه‌جویی آلوده نسازد. «پسا پستی‌آدم لا یقتنکم الشیطان کما اخرج ابوبکم من الجنه» اعراف - ۲۷ «ای فرزندان آدم، مواظب باشید شیطان شمارا نفریبد هم‌چنانکه پدر و مادران را از بهشت اخراج کرد.»

از آنجا که شیطان و یاران او درون نفس و در جامعه یک‌لحظه از کار خود فارغ نمی‌مانند. مبارزه و خصومت دائمی با آنان تنها راه نجات انسان و تکامل انسانیت است - «فما تقاتلوا اولیاء الشیطان - ان کید الشیطان کان ضعیفاً» سوره - ۷۶ «با یاران شیطان بجنگید - بدانید حیلش ضعیف است»

## اسلحه مبارزه با شیطان

چگونه می‌توان با شیطان جنگید - با تکیه بر کدام نیرو، می‌توان بروی غلبه کرد؟ فقط با کمک گرفتن از نیروی ضد آن - با تکیه بر وجه متضاد آن در نفس خویشش و در جامعه - در این کشاکش هر یک از دو وجه متضاد بر وجود انسان غالب شوند، دیگری را بر سر سلطه و اختیار خویش می‌گیرد.

اسلحه ما در جنگ علیه دشمن استعدادهای خدایی و ارزشهای انسانی وجود ماست در سنگر خدا باید علیه ابلیس نبرد کرد، سنگر خدا همان تقوی عدالتخواهی، نوع‌دوستی، روح برادری، حقیقت‌خواهی، و نظایر آن است «قل رب اعوذ بک من همزات الشیاطین» مومنون - ۹۷ «بگو پروردگارا از سوسه‌های شیاطین بنو پناه می‌برم.»

## کسیکه مبارزه نمی‌کند تسلیم شده است

بیطرف ماندن مرادف با تسلیم در برابر شیطان است - و زمین گذاشتن اسلحه ارزشهای خدایی و خارج شدن از سنگر ایمان و تقوی سلافاصله سبب پیروزی و تسلط شیطان می‌گردد. «و من یبغض عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فیهل قرین» زخرف - ۲۶ «هر کس از یاد خدای رحمن روی بتابد شیطانی بر وی مسلط می‌گردانیم و او هم نشین وی خواهد بود»

صحنه وجود هر انسانی محل برخورد و جنگ دو وجه متضاد شیطان و رحمن است زیرا سر نوشت خویشش انسانی افراد در جریان این نبرد طولانی تعیین می‌گردد انبیاء الهی هم از این قاعده مستثنی نیستند، «و ما ارسلنا من قبلك من رسولی و لا نسی الا اذا نتی الی الشیطان فی امانته فینخه ما یشاء الشیطان ثم یحکم الله آیاته و الله علیهم حکیم» حج - ۵۲ «پیش از تو رسول یا پیامبری نفرستادیم مگر آنکه وقتی آرزوشی می‌کرد شیطان در خواستهایش دخالت می‌کرد - پس خدا آنچه را شیطان القاء می‌کند، برمی‌اندازد و نسخ می‌کند، و سپس آیت‌های خود را استوار می‌سازد - و خدا دانای حکیم است»

آیه فوق نشان می‌دهد که خدا یار کسانی است که با شیطان می‌جنگند و به‌آنها در از بین بردن مظاهر شیطانی و غلبه بر القائنات و سوسه‌های او به‌مؤمن کمک می‌کند و هم‌چنین مدلل می‌سازد که پس از هر نیرودی علیه شیطان - نشانه‌ها و مظاهر خدایی استحکام و قدرت بیشتری می‌یابند. به‌عبارت دیگر نتیجه نهایی کشمکش و مبارزه انسان و شیطان نیرومند شدن و تکامل بیشتر ارزشهای خدایی در وجود انسان با در جامعه بشری است.

مبارزه با هر عاملی جز با تکیه و استعانت از عامل ضد انسان میسر نیست - سم را با تریاق، ظلم را با عدل، تبعیض را با برادری و برابری، فقر را با نعمت و برخورداری خودخواهی را با ایثار، جهل را با علم، اسارت را با آزادی، کبر و غرور را با فروتنی در برابر حقیقت، و مستکبرین را به‌نیروی مستضعفین می‌توان از صحنه خارج ساخت و مغلوب نمود. و در مجموع برای مقابله با شیطان فقط باید به‌خدا پناه برد «و اما ینزغنک من الشیطان نزغ فاستعذ بالله انه سمیع علیم» اعراف - ۲۰ «اگر انگیزه‌ای از جانب شیطان تو را برانگیزد - پس به‌خدا پناهنده شو که او شنوای داناست»

## دو جبهه نبرد با شیطان

در طول تاریخ زندگی بشر مبارزه با شیطان در دو جبهه جریان داشته است یکی جبهه نفس و دیگری جبهه جامعه - مبارزه در دو جبهه فوق قسابل تفکیک از یکدیگر نیست - مبارزه علیه شیطان درون - بدون مبارزه با شیطانهای فعال در جامعه - اصالت ندارد و با موفقیت روبرو نمی‌شود - اگر کسی از جنگ با دشمنان انسانیت در جامعه کناره گرفت - خود را آماده تسلیم شدن به‌شیطان کرده است - بهتر بگویم کسی که با شیطان‌های جامعه نمی‌جنگد، شیطان بر او چیره است زیرا اگر وجه غالب بر شخصیت کسی، ارزشهای خدایی باشد - آن شخص هرگز قادر به‌تسلیم و سازگاری با ارزشهای شیطانی در جامعه نمی‌باشد - کسی می‌تواند در برابر سلطه و فسادات شیطانهای انسان‌سما و مناسبات و روابط و راه‌روم شیطانی، سکوت کند که وجه اشتراک و نسوی سازگاری و هماهنگی با آنها داشته باشد به‌دیگر سخن در تضاد با آن مناسبات نباشد. هر وقت در برابر شیطان جامعه سکوت و سازش کردیم، بطور قطع در درون هم شیطان بر ما چیره است - پس کسی که با دشمن انسانیت نمی‌جنگد - آلت دست شایده با تسلیم شیطان شده است. از این رو می‌توان گفت وقتی در صحنه جنگ تسبیستی در سلامت نفس خود تردید کن و وقتی با شیطان بیچار نمی‌کنی بدان که بر تو غلبه کرده است.

تا وقتی در حال نبرد با دشمن هستی مطمئن باش که در راه خدا بجای می‌روی این نبرد که تا آخر دنیا ادامه دارد، مایه رشد استعدادها و عامل حرکت و تحول تکاملی است. در رودخانه زندگی دو کار بیشتر نتوان کرد یا شنا کردن و جنگ با صخره‌ها و تلاطم آب و سوار شدن بر امواج و رفتن بسوی دریا و یا آرام ماندن و اجازه دادن به‌امواج که مارا به‌خارج و به‌گندابها برانند.

در این جهان بودن بمعنای جاودانه ماندن - در رفتن است - انسان ماندن در جنگیدن است - تا بسوی هدف می‌روی «وجوده‌داری وجودی انسانی و چون از جنگیدن و حرکت بازماندی دیگر «نیستی» اگر چه نفس می‌کنی.

تنها دو نوع زندگی و دو نوع سر نوشت هست - و انتخاب با ماست. هر دو مارا بسوی خود می‌خوانند -

## گزارشی از

# «جلسه بحث آزاد پیرامون قانون اساسی»

طرفدار این هستند که ملت صرفتفر از قشر بندها و گروه بندیهای درونی خودش، حق حاکمیت دارد، یعنی ملت را اصل می‌گیرند، منطقی می‌پندارند. یک نظر دیگری هست که، نه، ما نمی‌توانیم ملت را بیکار چه در نظر بگیریم، بلکه باید ببینیم که کدام یک از اقتضای طبقات مردم می‌تواند این حق را بخودشان اختصاص بدهند. باین معنا که وقتی می‌گویم حاکمیت ملی، باید دید چه اصلی را و چه سیستمی را مردم میخواهند حاکم بکنند، یعنی اصولی را که می‌خواهند حاکم بکنند، چه هست؟ یا منافع کدامیک از قشرها و طبقات درون مردم باید رعایت بشود؟ ملت که یکدست و یکپارچه نیست! درونش از لحاظ منافع و مصالح، قشرها و طبقات متضادی وجود دارند، حاکمیت ملی چه معنایی پیدا می‌کند؟ کارگر، کارفرما، دهقان، مالک، همه با هم، قدرتمندان، ثروتمندان با افراد فقیر و بی چیز، همه اینها مجموعاً ملتی را تشکیل میدهند.

آیا وقتی ملت میخواهد حکومت کند، در عمل چه چیزی پیاده میشود؟.....

بدنیال اطلاعیه جنبش مسلمانان مبارز در مورد «بحث و افتاع» درباره قانون اساسی روز پنجشنبه هفتم تیرماه اولین جلسه این برنامه با حضور تعداد زیادی از علاقمندان آغاز شد. مادر ذیل قسمتهائی از سخنرانی آقای پیمان که در آغاز جلسه ایراد شد درج می‌نمائیم. مسئله حاکمیت ملی شاید در رأس همه مسائل قانون اساسی باشد..... حاکمیت ملی یعنی حکومت مردم. سؤال در اینست که ملت چگونه میتواند اراده خود را اعمال کند، چون بین یک اصل و تسحق آن همیشه فاصله‌ای وجود دارد. و بنا بر سیستمهای مختلف معانی مختلف مینماید. دموکراسی یا حکومت مردم در سیستمهای غربی بیک نحو معنا پیدا می‌کند و در سیستمهای شرقی هم بیک معنا است..... بهر دو هم می‌گویند حکمت مردم معنای این سخن ایستند، تحقق این اصل از راه اصالت این اصل و تسحقش از شیوه‌هایی که برایش انتخاب می‌کنیم نمی‌تواند جدا باشد. کافی نیست که ما بگوییم معتقد به‌حکومت مردم یا حاکمیت مردم هستیم، اما شرایط تحقق آنرا نخواهیم در نظر بگیریم. بیکده اصولاً جمع به‌خود مفهوم اصلی.

### مراکز بخش نشریه امت

- ۱- کتابفروشی حتیف - هفت‌چنار - اول حسام‌السلطنه
- ۲- کتابفروشی سعید محسن - میدان امام حسین (فوزیه)
- ۳- مغازه صفائی - میدان غار - اول خیابان غار تلفن: ۵۲۳۷۵۶
- ۴- فروشگاه اتحاد - بازار آهنگرها - سه‌راه حاج نادعلی تلفن ۵۲۱۵۸۷
- ۵- کتابفروشی مولی خیابان انقلاب (شاه‌رضا) تریبده به‌دانشگاه تهران - روبروی بمب‌بازین
- ۶- انتشارات سلمان - ناصرخسرو - کوچه حاج نایب
- ۷- انتشارات امام - خیابان ۱۷ شهریور (دروازه‌دولاب) - نبش آبدار
- ۸- انتشارات الهام - میدان انقلاب - بازارچه کتاب
- ۹- انتشارات روشنگر - میدان تجریش جنب مسجد اعظم

## ستار ....

تروم، کوسول که تیرش بسنگ میخورد دست از پا درازتر باز میگردد. ارتجاع که قادر شده ستار را که تنها سدره منافع پیلید و نامشروع آنهاست بسازش کشاند، طرح ترور ستار توسط «دوچی» بارخته میشود و نوکر ستار مامور اجرای طرح میگردد ولی خوشبختانه تیر وی پای سردار خورده و او را زخمی میکند و او این راز که مبادا باعث ضعف روحیه مجاهدین گردد پوشیده نگه میدارد.

ادامه دارد

# نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

شرکت‌های بیمه ملی

اعلام شد

بدنای ملی شدن بانکها و زمین‌های موات... که سرانجام بعد از مدتی تأخیر بنا به ضرورت شرایط انقلابی اعلام شد در هر حال حرکت تازه‌ای در جهت رهائی از سلطه امپریالیسم جهان‌خوار محسوب میشود...

متن قانون

ماده ۱ - منظور حفظ حقوق بیمه‌گذاران و گسترش صنعت بیمه در سراسر کشور و گماردن بیمه به خدمت مردم از تاریخ تصویب این قانون کلیه مؤسسات بیمه کشور ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط ملی اعلام میشود...

ملی شدن زمینهای موات

متن قانون لغو مالکیت اراضی موات باین شرح است: از آنجا که طبق موازین اسلام، زمین موات ملک کسی شناخته نمیشود و در اختیار دولت اسلامی است...

امام خمینی: گروه‌سازی و جبهه‌سازی دشمنی درست کردن است

گروهی از پاسداران قم و نیز کارمندان شرکت ملی نفت ایران (آبادان) مشترکاً در صبح سه‌شنبه ۲ تیر ۵۸ به حضور امام خمینی رسیدند و رهبر انقلاب بیانات قاطع و روشنی ایراد فرمودند که مآدر ذیل قسمت‌های مهم آنرا می‌آوریم:

اسلام مکتب تحریک است و قرآن کریم کتاب تحریک، تحرک از طبیعت به تعبیر، از مادیت به معنویت، تحرک در راه عدالت، تحرک در برقراری حکومت عدل و معالافت آنها که می‌خواهند شرق را غارت کنند و ملت‌های اسلامی را به اسارت بکشند...

سخنرانی برادر ابوعمار

دمشق ۱۹۷۸/۶/۲۵ وفا برادر ابوعمار رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادی‌بخش فلسطین طی سخنرانی در برابر انسدادیه مهندسین فلسطینی، نقشه‌های آمریکائی را بعد از انضام قرارداد مصر و اسرائیل افشا ننموده و گفت آنچه که آمریکا را بخشم می‌آورد، مزوی کردن سادات در منطقه است...

محاصره اقتصادی آمریکا

بیروت ۱۹۷۸/۶/۳۰ وفا برادر باسرفرمان رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادی‌بخش فلسطین خواستار محاصره مالی و اقتصادی و نفتی ایالات متحده آمریکا شد...

تهدید بگین تروریست

فلسطین اشغالی ۱۹۷۸/۶/۲۷ وفا بگین نخست‌وزیر اسرائیل تهدید کرد ضربات سنگینی به پایگاه‌های فلسطینی‌ها به‌سفرات حملات چریک‌ها در داخل فلسطین وارد خواهد ساخت...

انحلال کمیته‌های انقلابی چین

بنا بر گزارش خبرگزاری فرانسه از پکن، کمیته دائمی مجلس خلق چین تاریخ ۵ تیر ماه ۵۸ طرحی را پیشنهاد کرد که بموجب آن کمیته‌های انقلابی که در سال ۱۹۶۷ بوسیله مائو تسه دون و در چهار چوب برنامه‌های انقلاب فرهنگی در این کشور بوجود آمده بود منحل میشوند...

بحران در نیکاراگوئه

گزارش خبرگزاریها از ساناگوئه پایتخت نیکاراگوئه حاکی از آنست که آناستاسیوسوموزا برای استعفا خود شرایطی را به آمریکا پیشنهاد کرده است که یکی از مهمترین این شرایط، حمایت گارد ملی از دولت موقت است که بوجود می‌آید...

نیروی نظامی آمریکا در جهان سوم

اقتباس از هرالد تریبون ۲ تیر همانطور که در امت شماره ۵ مطرح شد امپریالیسم آمریکا با از دست دادن منافعی در ایران ضربه شدیدی از نظر اقتصادی - سیاسی متحمل شد...

تشکیل کمیته برای سرنگونی «بوکاسا»

لوموند ۲۳ ژوئن ۱۹۷۸ چهار نفر از مخالفین رژیم «فانتسینی» آفریقای مرکزی روز پنجشنبه ۲۱ ژوئن جلسه‌ای در پاریس تشکیل دادند...

مداخله آمریکا در خاور میانه

نیویورک - آسوشیته پرس - هارولد براون در یک مصاحبه تلویزیونی فاش ساخت که خاورمیانه یک منطقه بی‌ثبات است و آمریکا نمکسند در یک درگیری آینده در این منطقه مداخله کند...

مردان انقلابی فلسطین

دمشق ۱۹۷۸/۶/۳۰ وفا وفاقه نظامی شماره ۷۸/۱۰۱ یک واحد انقلابی روز پنجشنبه ۲۸ ژوئن سوی محل مأوریت خود در «کیبوتص کریات یام» حومه تل‌آویو حرکت کرده و چندین بسته مواد منفجره شدیدالنفجار را در مرکز این کیبوتص کار گذاشته و ساعت ۹/۱۵ دقیقه همان روز بسته‌ها منفجره شده و بقتل و جرح بیشماری از صهیونیستها و قزو ریختن ساختمانهای اطراف انجامید...

معرفی یک کتاب

اما بعداً به جای اینکه کالای مصرفی را تولید و سپس آنرا صادر کنند، به‌سرمایه‌گذاری در داخل کشورهای فقیر پرداختند...

نظریات علامه احمد مفتی‌زاده در مورد قانون اساسی

آقای مفتی‌زاده پیامی بتاريخ ۵۸/۴/۶ به‌سنگره مسلمانان منتقد قانون اساسی فرستاده‌اند که در ذیل قسمتهائی از آن در درج می‌نمایم:

تحصن خانواده‌های شهدای سازمان مجاهدین خلق ایران

به‌منظور آزادی محمدرضا سعادت عضو سازمان مجاهدین خلق ایران، از چهارشنبه هفته گذشته خانواده‌های شهدای مجاهدین در دادگستری دست به‌تحصن دادند...

معرفی یک نشریه

انتشار اولین شماره «ستضعف» نشریه کارگران، دهقانان و زحمتکشان مسلمان را به‌برادران و خواهران دست‌اندر کار این نشریه تبریک می‌گوییم و فعالیت‌های ایشان را در راه به‌تحقق پیوستن و راست مستضعفین، آرزومندیم.

تذکره

در شماره ۱۱ هفته‌نامه امت، گزارش تلفنی یکی از برادران کارگر در آبادان آمده که منتقل از ایشان گفته شده بود:

«... و نماینده آقای تریه مخالفت کرد، این مخالفت احتمالاً بخاطر تشدید و درگیری است تا اینکه اعتصاب گسترش پیدا کند، که این خطر خیلی زیاد است... لازم بذکر است که مطالب فوق بعنوان نقل قول و گزارش آورده شده است، از مسئولین در شرکت نفت میخواهیم تا صحت و سقم گزارش فوق و نتیجه آنرا بوسیله نشریه امت روشن سازند.»

هفته‌نامه امت شماره ۱۲ چهارشنبه ۱۳ تیر ۵۸ زیر نظر شورای نویسندگان امت فیلیان چهارشمالی نشی خیلان نامجو